



۱۷

رستاک اندیشه

R A S T A K A N D I S H E

نشریه دانشجویی دانشگاه بین المللی اهل بیت علیهم السلام

شماره ۱۷، آذر و دی ماه ۱۴۰۴



رستاک اندیشه

فهرست مطالب



آذردی

۱۴۰۴

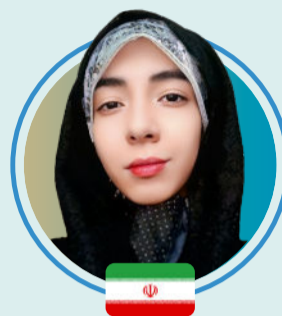
دو ماهنامه رستاک اندیشه

- ۰۲ | سر مقاله | فاطمه امیری
- ۰۹ | ایرانشناسی | استان هرمزگان؛ سرزمین دریا، رنگ و باد
- ۱۸ | فرهنگ و تمدن ملل | سرزمین جادویی کلمبیا
- ۲۹ | مصاحبه | جناب آقای دکتر پیام طریقی
- ۳۳ | مقاله علمی | تاثیر فناوری بر تجارت بین الملل
- ۴۳ | معرفی اشخاص برجسته | رودکی، شاعر بزرگ ایران
- ۵۳ | دکلمه | مولود کعبه؛ راز عظمت و آغاز نور
- ۵۴ | سفرنامه دانشجویی | اردوی کرمان
- ۵۹ | گزارش | مراسم جشنواره زندگی فاطمی و تعالی اجتماعی
- ۶۳ | داستانک | آرزو نمی میرد
- ۶۶ | دنوشته | تلاش
- ۷۸ | مقاله ادبی | تحلیل دو نعت درخشان از دو شاعر معاصر افغانستان
- ۷۹ | فرهنگ و تمدن ملل | گلگیت بلتستان، ایران کوچک پاکستان
- ۸۴ | شعر | سقف آشیانه
- ۸۵ | گزارش | مراسم شب یلدا
- ۹۰ | مقاله فرهنگی | جشن می فانگ، آیین زمستانی در شمال پاکستان

مجله دانشجویی؛ با همکاری معاونت فرهنگی و دانشجویی دانشگاه بین المللی اهل بیت (ع)

صاحب امتیاز:	معاونت فرهنگی و دانشجویی دانشگاه بین المللی اهل بیت (ع)
مدیر مسئول:	محمد مطلبی، معاون فرهنگی و دانشجویی
گردآورنده و ویراستار:	زهرا شبنانی حسن آبادی؛ کارشناس امور فرهنگی
سردبیر:	فاطمه امیری؛ دانشجوی کارشناسی رشته حقوق؛ اهل ایران
طراح جلد و صفحه آرا:	سبطین جعفری؛ دانشجوی کارشناسی مهندسی کامپیوتر؛ اهل پاکستان
اعضای هیئت تحریریه:	فاطمه امیری، پریسا جندقی، خوان کارلوس دوریالیکونا، سبطین جعفری، فرمان حیدر، اسماعیل ماهازکا، حسن حسن، بی بی فرشته لایق، کوثر علیویا، نکیه حسینی، یاعوبلو، حیات الله رهیاب، محمد حسین، عبدالودود ابریز، ساموئل کاتامبا، عباس مبلغی

مقاله



فاطمه امیری

دانشجوی کارشناسی رشته حقوق

اهل ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

در ذهن و روح آدمی سایه می اندازد که بیگانه است
و من نمی دانم این چه شوری است که هر بار با غم
کوچکی روی شانه‌ی آدمی دست می کشد. واپسین ماه
پر رحمت پاییز، ما را هم مجبور به یک خداحافظی
بارانی می کند و هم صدای تیک تاک عقربک، طنین
فرا رسیدن زمستان را در گوش می اندازد. این چنین
است که آذر، تمام شاعران را بلا تکلیف گذاشته و هیچ
انسانی نمی داند در رفتن او جای اشک خالی است یا
جای آغوشی گرم.

اما برآستی چگونه می توانیم بیش از این از آذر بگوییم؛
وقتی شأن و شوکت روزهای آن را مادرانی پاک رقم
زده اند؟

درود، مقدمه ما این بار، با یادآوری همراه است. با
دلواپسی مهر و با دلتنگی آبان به اینجا آمده ایم.
درود مقدمه ما با نوای برخورد قطرات باران به
گلدان شمعدانی آغاز می شود.

زمانی که آن طرف میدان، سرما، مادری را فرا
گرفته، او روی پله آخر خانه‌ای نشسته و هر تنفسش
هلپله‌ای بر قفسه سینه و بخاری بر شیشه می اندازد.
او زمستان است که در انتظار فرزندانش، کوچه‌ها
را جارو کشیده، هیزم‌ها را جمع کرده و بر سردر
خانه‌اش، قناری کوچکی، آمدن پسرانش را خوش آمد
می گوید.

هر سال که ماه آذر از راه می رسد، شور زندگی رنگ
و بوی دیگری به خود می گیرد. احساسات جدیدی





مقاله



از دستان گرم و دلنشین نزدیک‌ترین مادر در خانه‌هایمان تا جاودانه‌ترین مادر بشریت، حضرت فاطمه (س) که بند بند حضور آذر را به یکدیگر گره زده‌اند.

در ابتدای این دوماهنامه، ورق دفتر ما بر شهادتی جان‌سوز می‌ایستد؛ شب پیوستن بانوی عصمت بر ملکوت که همواره در وجود ما مسلمانان، القاکننده تصویر شکیبایی و استقامت است. همه ما از زمانی که به یاد می‌آوریم، پیوسته ارتباطی ظریف و شکننده با این بانوی بی‌همتای تاریخ در جان‌مان احساس می‌کردیم، ایشان را والا می‌شمردیم و عارفانه به وجود رد انگشت و اثری از حضورشان عشق می‌ورزیدیم.

محبت دیرینه‌ی ایشان که همیشه شامل حال ما می‌شود، در این ماه مهربان نیز پس از این غم، همچنان مسیر زنده‌بودن ما را به شادی همراهی می‌کند. ارزشمندترین آن، ولادت گرانبهای این بانو در سحرگاهی پرنور است که خود سالروز بزرگ و مبارکی بر مادران جهان خواهد بود. «مادر» در فرهنگ و ادبیات زبان فارسی، عمق و عشق زیادی را از آن خود کرده است؛ ما ایرانیان در تاریخ و عاداتی «مادر دوستانه» زیسته‌ایم. مادر فقط یک نماد، یک شخص مورد اهمیت و نمایش یک زندگی شجاعانه نیست؛ بهتر است بگوییم مادر اصلاً یک شخص نیست؛ مادر، یک روح عمیق و بی‌رنگ است؛ یک شیشه بی‌لکه و بدون خش، صاف، یکنواخت و ماندگار؛ بدون آنکه بشود ایرادی از کناره‌های او گرفت؛ مجموعه‌ای از دغدغه‌های



مقاله



دغدغه‌های علمی دارند و برخی گلوبی از حرف‌های تازه و بسیار خاموش. جوانان عصر جدید بیش از هر قشری در جامعه این روزها احساس سردرگمی را تجربه می‌کنند. یک دانشجو در هر نقطه‌ی جهان که باشد، چون دقیقاً در اواسط زندگی است، هنوز از خطرات و چالش‌های آینده خبر ندارد و این نگرانی بسیار روحیه و عواطف او را آسیب‌پذیر می‌کند. گفتنی است که یکی از باارزش‌ترین تجربه‌های زندگی بنده، گذراندن مدت قابل توجهی از تحصیل دانشگاهی‌ام در **دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع)** است؛ چرا که در این فضای فرهیخته، دور از دغدغه‌های داخلی، می‌توان از تجربه‌ی جدید ملاقات با دانشجویانی از سرتاسر جهان بهره‌مند شد که هر کدام پستی و بلندی‌های بسیاری برای رسیدن به این نقطه پشت سر گذاشته‌اند.

کافی‌ست رشته‌ی کلام هر یک از آنان را بگیرید تا به کشورهای با پیشینه‌ی تاریخی و مردمان متمدن برسید. به‌جرات می‌توان نوشت مهربانی و همزیستی مسالمت‌آمیز میان این دانشجویان، از هر رنگ پوست تا هر تفاوت اعتقادی،

شکننده که از خاک روی شانه‌ی فرزندش تا سرمای سرانگشتان، روح او را در بر می‌گیرد.

مادر، یک ادعای بزرگ از با هم بودن، با هم ماندن و به هم برگشتن است. یک مراقبه‌ی بی‌آلایش برای لمس ابر، خوردن یک قاشق مهر و همنشینی با قطره‌ای جامانده. در مادر می‌توان هر چیز پاکی را یافت؛ هر نظمی که در حضورش هیچ وسواسی نمی‌توان به خرج داد و او هر مترادف بی‌خبری است که عارفان در معنی «انتظار» و شاعران در معنی «عشق» استفاده می‌کنند. ما نیز به نوبه خود این طلوع را هر ساله گرمی می‌شماریم و امیدواریم روزی با کلمه‌ای یا عبارتی بتوانیم شور زندگی در کنار مادر را توصیف کنیم.

صفحه دیگری از آذر که با عنوان «روز دانشجو» از آن یاد می‌شود، فرصتی گرانبها در جهت پرداختن به انسان‌هایی است که جهان را به تازگی ملاقات می‌کنند و غرق شده در جزئیات، به دنبال خدایی برآمده از توصیف‌های اخلاقی‌شان می‌گردند؛ کسانی که برخی فیلسوف‌بافی‌های دینی با





مقاله

شما را شگفت زده می کند.

روز دانشجو بر دانشجویان دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع) که عده زیادی از آنها صادقانه دلتنگ عزیزانشان هستند، اما در مسیر تلاش استوار مانده‌اند، مبارک باد.

دلت به وصل گل ای بلبل صبا خوش باد که در چمن همه گلپانک عاشقانه توست (حافظ)

هر سال که زمستان از راه می‌رسد، گل‌ها که از او دلخوشی ندارند، به خواب عمیق فرو می‌روند؛ خورشید نیز میل سخن با او را ندارد. مردم پنجره خانه‌شان را به رویش می‌بندند؛ گویی که زمستان، سایه‌ای متلاطم و پر آشوب باشد که تمرکز وسواس‌مند بر نیکی پذیرای او نیست. برای زمستان رخصت بیان وجود ندارد.

دی ماه، برادر بزرگ‌تر زمستانک‌های بهمن و اسفند است که در محفظه‌ی برف‌آلود امسالش مسیری از شادی به همراه اندکی غم را تجربه می‌کند.

در مقابل آذر که دست نوازش‌گری بر احساس مادری و بازتاب حضور ذو ولادت بانوی شایسته دو عالم در محوریت زندگی مادی انسان‌ها بود، دی، پژواک مردانگی و انعکاس حضور پدر در شانه‌به‌شانه‌ی عمر را گوشزد می‌کند.





مقاله



ارزشمند پدر است که به مثابه چراغ روشنی در نیمه شبی مه آلود، برای هر انسانی امیدی را زنده و خانه‌ای را همیشه «قابل برگشت» می‌کند.

کمی پیش از ولادت این امام بزرگوار، ولادت امام محمد باقر (ع) و امام محمد تقی (ع) نیز روزهای سنگین دی ماه را به شادی زینت داده‌اند. مایه صمیمیت خواهد بود اگر در حوالی روزهای شاد فصل زمستان، آیین همنشینی و دیگان ایرانی را جاری سازیم و از این فرصت به خوبی بهره ببریم.

طلوع پانزدهمین روز دی ماه، به نظر مشهور سالروز وفات حضرت زینب (س) است. این بانوی محجوب همواره مورد احترام ما دوستداران امام حسین (ع) و اهل بیت ایشان بوده است. روح لطیف و در عین حال شجاع ایشان همیشه برای مسلمانان جهان نماد ایستادگی بر عقیده بوده و خواهد بود. شهادت امام موسی کاظم (ع) یکی دیگر از نقاط اندوهناک ما در دی ماه جاری است؛ جوانمردی مهربان و شجاع که تا واپسین عمر شریفشان، برای نگهداری از ساحت اسلام تلاش کردند.

ولادت امام علی (ع) اقبالی است که در اینجا به آن می‌پردازیم؛ درست زمانی که زمستان باعث می‌شود ابرها همه رنگ‌باخته و تهی از ماجرا به نظر برسند، این، عاطفه‌ی نهفته و نایاب پدری بزرگ است که در دل طنین‌انداز می‌شود.

امام علی (ع) از گذشته تاکنون پیوسته مورد ارادت مسلمانان جهان و به‌خصوص برای ایرانیان گرمی و مغتنم شمرده شده است. به میمنت حضور ایشان، این روز با نام پدر مزین گردیده و به مناسبتی گرانمایه در تقویم بدل شده است.

این واقعیت شکی نیست که در جریان ملایم و بی‌وقفه‌ی زندگی، همه‌ی ما نیازمند وجود استوار و محکمی هستیم که در اطمینان پایداری او دل آرام باشیم. آن‌چنان که آگاه هستید، تنها زیستن، فقط فرد بودن در اجتماع و درون آدمی نیست؛ احساس عدم وجود هیچ پناهگاه ماندگاری در زندگی مسبب بوجود آمدن تاریکی سرشار از تردید خواهد بود که هیچ درمانی برایش وجود ندارد. بی شک بزرگ‌ترین نعمتی که خداوند به تمامی انسان‌ها عنایت فرموده، وجود





مقاله

مناسبت‌های فراوان دین اسلام برای پیروانش، نه فقط بهانه‌ای برای یادآوری، بلکه تلنگری است بر سبک زندگی و نوع بینش ما نسبت به مسائل پیرامون. نیکوست که در این مناسبات، کاوش‌های تاریخی و همنشینی با بزرگان را هدف قرار دهیم تا با هر یک از این قهرمانان یگانه دین و تنها راه رسیدن به کمال، عمیق و موشکافانه آشنا شویم.

امروز قلب عالم و آدم جرای توست
این کوه نور شاهد حرف خدای توست
اقرأ باسم ربک یا ایها الرسول
قرآن بخوان این که همین آشنای توست

چه فرخنده روزی! روشن‌تر از سالروز مبعث پیامبر اسلام (ص) برای پایان این مقدمه و فرجام اولین ماه عزیز زمستان سراغ نداریم. مبعث، لحظه‌ای است که رحمت الهی بر قلب پاک حضرت محمد (ص) فرود آمد و کائنات را غرق در فروغ وحی ساخت. این رویداد، آغازگر جهانی است که با قرآن کریم، به سوی کمال و تعالی رهنمون شد. بعثت، پیمانی است الهی برای استمرار هدایت؛ آن زمان که «مصطفی (ص)» برگزیده شد تا کتاب هدایت را بر قلب‌های آماده شده نازل کند و انسان را به سرچشمه‌ی زلال نور متصل سازد.





مقاله



پس از این دید اجمالی بر مناسبات روزهای جاری و پیش از پایان مقدمه ، بار دیگر از نگاه مهربان شما کمال تشکر را داریم. نشریه دانشجویی دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع) به همراهانی چون شما افتخار می‌کند و در مسیر ایجاد روابط دوستانه و مسالمت‌آمیز با تمامی ادیان و نژادها در سراسر جهان استمرار خواهد ورزید.





استان هرمزگان سرزمین دریا، رنگ و باد

ایرانشناسی



پریساجندقی

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی

اهل ایران



استان هرمزگان پهنه‌ای است که خورشید هر بامداد بر سطح نیلگون خلیج فارس می‌درخشد و نسیم مرطوب دریا، هوای آن را با طراوتی خاص همراه می‌کند. این استان با تاریخ دیرینه، فره‌نگ دریایی غنی، معماری منحصر بفرد، جزایری شگفت‌انگیز و مردمانانی خونگرم، یکی از گهرهای ارزشمند جنوب ایران به شمار می‌رود. هرمزگان، تنها یک موقعیت جغرافیایی نیست؛ تجربه‌ای است از زندگی در کنار باد، موج و رنگ؛ تجربه‌ای که هر بازدیدکننده‌ای را در خود غرق می‌کند. بوشهر، گنجینه‌ای از جاذبه‌های گردشگری است که روح هر بیننده‌ای را با خود به سوی دریا و تاریخ می‌کشاند. از سواحل آرامش‌بخش تا عمارت‌های باشکوه تاریخی و موزه‌های پر بار، این شهر در هر گوشه‌ای حرفی برای گفتن دارد.

ایران‌شناسی، استان هرمزگان، سرزمین دریا، رنگ و باد

تاریخ و هویت هرمزگان

تاریخ هرمزگان از هزاران سال پیش با دریانوردی، تجارت و تبادل فرهنگی گره خورده است. بندرهای تاریخی این خطه همچون بندر لنگه، بندر کنگ و قشم، از مهم‌ترین گذرگاه‌های تجاری ایران با هند، عمان، شرق آفریقا و چین بوده‌اند. لنج‌های چوبی که هنوز در کارگاه‌های سنتی ساخته می‌شوند، یادگاری زنده‌ای از روزگار شکوفایی تجارت دریایی هستند.

در دوره صفوی، خلیج فارس اهمیت راهبردی ویژه‌ای یافت و جزیره هرمز و قشم نقش کلیدی در کنترل مسیرهای تجاری ایفا کردند. حضور پرتغالی‌ها در برخی جزایر جنوب و ساخت قلعه‌هایی مانند قلعه پرتغالی‌ها از نشانه‌های تاریخی اهمیت این منطقه است؛ آثاری که تا امروز پابرجا مانده‌اند و روایتگر سال‌ها ایستادگی و تلاش‌اند.





ایران‌شناسی، استان هرمزگان، سرزمین دریا، رنگ و باد

فرهنگ و زندگی اجتماعی

فرهنگ هرمزگان، لطیف، پرشور و متأثر از زندگی در کنار دریاست. پوشش سنتی زنان با لباس‌های رنگین و زری‌دوزی‌شده، همراه با برقع‌های محلی، جلوه‌ای منحصر به فرد به سیمای فرهنگی منطقه می‌بخشد. مردان با دشداشه‌های سفید و چفیه‌های ساده، تصویری اصیل از جنوب ایران را نمایان می‌کنند.

زبان، موسیقی، آیین‌ها و سبک زندگی مردم هرمزگان بازتابی از آمیختگی فرهنگ ایرانی با سنت‌های کهن دریایی و ارتباطات طولانی‌مدت با سرزمین‌های دوردست است.

آیین‌ها و جشن‌ها

آیین‌های هرمزگان بخشی از هویت زنده مردم جنوبند و بسیاری از آن‌ها ریشه در باورهای کهن دریایی





ایران‌شناسی، استان هرمزگان، سرزمین دریا، رنگ و باد

دارند. هر آیین داستانی از احترام، شکرگزاری و رابطه عمیق انسان و دریا را روایت می‌کند.

نوروز صیاد

جشنی است که در جزایر قشم، هنگام و لارک برگزار می‌شود. مردم در این روز به نشانه احترام به دریا، از صید پرهیز می‌کنند و لباس‌های نو می‌پوشند. باور عمومی این است که دریا باید یک روز «استراحت» کند تا سالی پر از نعمت آغاز شود. این جشن نماد همزیستی مردم با طبیعت و منبع رزق آنهاست.

دنیابران

آیینی است که هنگام عبور کشتی‌ها یا ورود ملوانان برگزار می‌شود. در این مراسم، زنان و مردان با خواندن اشعار محلی و نواختن سازهای کوبه‌ای، برای سلامت دریانوردان دعا می‌کنند. دنیابُران بازتابی از نقش برجسته دریا در زندگی اجتماعی مردم است.





گرمابه گردانی

از مراسم سنتی ویژه روزهای پیش از عید و مناسبت‌های مهم خانوادگی است. مردم با بردن شیرینی و خوراکی به گرمابه‌ها، این مکان‌ها را به فضایی برای دیدار و گفت‌وگو تبدیل می‌کنند. این آیین، نشانه‌ای از اهمیت پاکیزگی و آمادگی برای شروعی نو است.

معماری؛ سازگاری هوشمندانه با اقلیم

معماری بومی هرمزگان شاهکاری از تطبیق با

اقلیم گرم و مرطوب جنوب است. خانه‌ها معمولاً دارای بادگیر، حیاط مرکزی و فضاهای تابستان‌نشین هستند. بادگیرها جریان هوای خنک را به داخل هدایت می‌کنند و با ساختار بلندی که دارند، بهترین استفاده از بادهای موسمی را ممکن می‌سازند.

در جزیره قشم، معماری روستاهای «برکه خلف» و «لابیدان» با خانه‌های گنبدی و سنگی توجه گردشگران را جلب می‌کند. این سازه‌ها با متریال بومی و طراحی دقیق، هوای داخلی را خنک نگه



ایران‌شناسی، استان هرمزگان، سرزمین دریا، رنگ و باد

می‌دارند و به شکل طبیعی با گرمای شدید سازگار شده‌اند.

جاذبه‌های طبیعی

قشم؛ ژئوپارک جهانی

قشم، بزرگ‌ترین جزیره ایران، از نظر طبیعی مجموعه‌ای شگفت‌انگیز است:

دره ستاره‌ها: صخره‌هایی فرسایش‌یافته که شکل‌هایی خارق‌العاده پدید آورده‌اند.

جنگل‌های حرا: اکوسیستمی کم‌نظیر که محل زندگی پرندگان مهاجر است.

غار نمکدان: با طول بیش از ۶ کیلومتر، یکی از طولانی‌ترین غارهای نمکی جهان به شمار می‌رود سواحل لاک‌پشتی: محل تخم‌گذاری لاک‌پشت‌های پوزه‌عقابی که در خطر انقراض‌اند.





بندرعباس

بندرعباس، مرکز استان، شهر زندگی، تجارت و فرهنگ بندری است. بازارهای سنتی، اسکله‌های صیادی، اجرای موسیقی محلی در جشن‌ها و غذاهای دریایی معطر، از ویژگی‌های جذاب این شهر هستند.

صنایع دستی هرمزگان

صنایع دستی هرمزگان بازتابی از ذوق هنری و سبک زندگی مردمان جنوب است:

گلابتون‌دوزی: هنر دوخت نخ‌های طلایی و نقره‌ای روی پارچه‌های رنگی که برای تزئین لباس‌های سنتی زنان استفاده می‌شود.

جزیره هرمز؛

رنگ‌ها و شگفتی‌های بی‌پایان

جزیره هرمز یکی از شگفت‌انگیزترین و شاعرانه‌ترین نقاط ایران است؛ سرزمینی که گویی خداوند آن را با پالت رنگ نقاشان آفریده است. هر قدم بر خاک هرمز، سفری میان رنگ‌ها، نورها و بافت‌هایی است که از زیبایی اغراق‌شده و خیره‌کننده سخن می‌گویند.

دره رنگین کمان و ساحل نقره‌ای از محبوب‌ترین دیدنی‌های این جزیره هستند. خاک سرخ هرمز که «گلک» نام دارد، در گذشته به‌عنوان ادویه و رنگ خوراکی نیز به‌کار می‌رفت.



ایران‌شناسی، استان هرمزگان، سرزمین دریا، رنگ و باد

لنج سازی: ساخت لنج‌های چوبی با روش‌های سنتی که نسل‌هاست سینه‌به‌سینه منتقل شده است.

حصیربافی: بافت سبد، زیرانداز و ظروف تزئینی با برگ درخت خرما.

خرک‌دوزی: دوخت نقوش رنگارنگ روی پارچه با نخ‌های ضخیم، غالباً برای تزئین کیف و جانماز.

غذاهای محلی هرمزگان

آشپزی هرمزگان معطر، پرادویه و ریشه‌دار در فرهنگ دریایی است. هر غذا در یک خط و با توضیح ترکیب‌ها معرفی می‌شود:

هواری میگو (برنج، میگو، ادویه‌جات جنوبی): یکی از محبوب‌ترین غذاهای جنوبی

قرمز و طعم تند.

کلمبا (گندم بلغور، خرما، روغن): غذایی انرژی‌زا و سنتی برای صیادان.

ماهی برشته (ماهی تازه، نمک، لیمو عمانی): پخت ساده و اصیل ماهی در کنار ساحل.

مهیاوه (ماهی ساردین تخمیرشده، کنجد، ادویه): سسی محلی با طعمی تند که روی نان محلی سرو می‌شود.





ایرانشناسی، استان هرمزگان، سرزمین دریا، رنگ و باد

ماهی برشته (ماهی تازه، نمک، لیمو عمانی):

پخت ساده و اصیل ماهی در کنار ساحل.

مهپاوه (ماهی ساردین تخمیرشده، کنجد،

ادویه): سسی محلی با طعمی تند که روی نان

محلی سرو می شود.

دوپپازه میگو (میگو، پیاز داغ، ادویه): غذایی

سریع و پرطعم که در مهمانی های محلی محبوب

است.

نان تمشی (خمیر نازک و داغ): نانی سنتی که

با مهپاوه یا خرما سرو می شود.

دعوتی از دل جنوب

هرمزگان استانی است که باید آن را با چشم،

گوش و دل تجربه کرد. سواحل آرام، جزایر

رؤیایی، موسیقی پرشور، غذاهای دریایی و مردم

خونگرم، این پهنه را به مقصدی فراموش نشدنی

تبدیل می کنند.

جنوب، سرزمین آفتاب و آبی بی پایان، همیشه

آغوشی باز برای مهمان دارد. همان گونه که

مردم هرمزگان می گویند:

«جنوب، گرمی هوا نیست؛ گرمی دل مردم»





فرهنگ و تمدن ملل



خوان کارلوس دوریا لیکونا

دانشجوی کارشناسی مهندسی کامپیوتر

اهل کلمبیا

Colombia realismo mágico

Mi nombre es Juan Carlos Doria, soy estudiante de Ingeniería de Computación en la universidad de ahlul bait muy feliz de conocer este país.

soy de la República de Colombia, un país de América Latina en el sur del continente, cuya lengua oficial es el español. Esta nación

es conocida por ser uno de los mayores productores de café del mundo y tener una gran variedad y diversidad de sabores. El café, siendo uno de los pilares de la economía, también ocupa un lugar central en la cultura popular. El país se formó a partir de tres grupos étnicos

principales: los colonizadores blancos y moriscos de origen español que tomaron el control del territorio; otra parte de la población está conformada por las diversas etnias indígenas que habitaban el territorio andino precolombino; y la tercera, por pueblos subsaharianos de



África, que fueron llevados por los españoles como esclavos y que, tras la independencia del país de la corona española, obtuvieron su libertad. Por eso, la cultura colombiana combina diferentes aspectos de cada una de estas etnias para formar una identidad única y multifacética. En la literatura, el mayor exponente es Gabriel García Márquez, quien creó un estilo literario que mezcla la realidad y la fantasía, expresando



de manera profunda el entorno de Colombia.

Colombia es famosa por ritmos y danzas vibrantes que son el pulso de sus fiestas y tradiciones. La cumbia, con sus raíces indígenas y africa

nas, es considerada la reina de la música nacional y un símbolo de identidad. Del interior del país surge el vallenato, narrador de historias reales y sentimentales al son del acordeón.

Aunque de origen dominicano, la bachata y la salsa fueron abrazadas con tal pasión por los colombianos, especialmente en ciudades como Cali —capital mundial de la salsa—, que se han convertido

alone.

en parte fundamental de su paisaje sonero. Estos géneros, junto a muchos otros, no solo invitan a bailar, sino que tejen la memoria afectiva de un pueblo que expresa su alegría, su nos



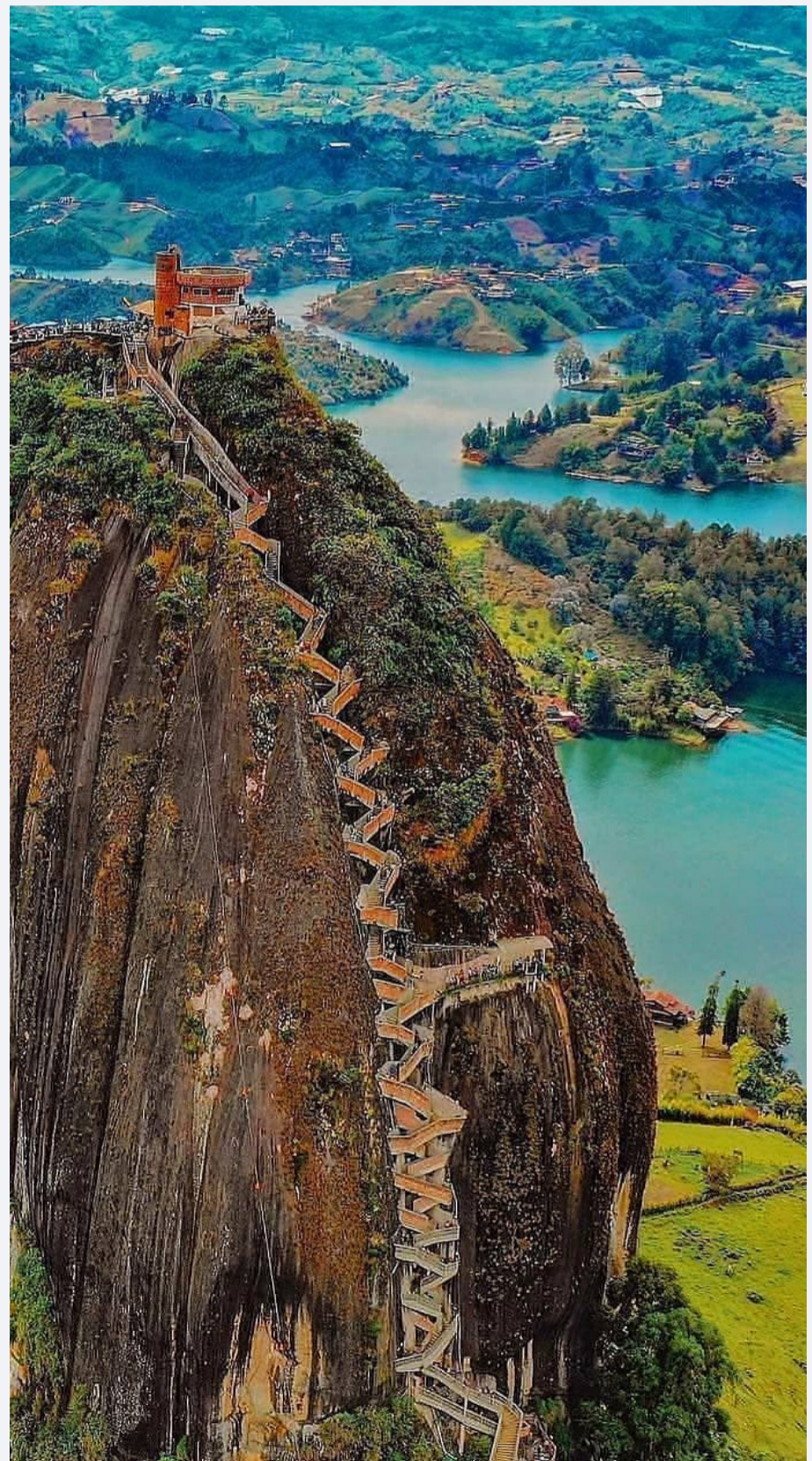
talga y su resiliencia a través de la música.

Colombia es reconocido a nivel mundial como el principal productor de esmeraldas, siendo célebre por extraer las piedras de la más alta calidad y pureza. Sus yacimientos, enclavados principalmente en la región andina en departamentos como Boyacá y Cundinamarca, son famosos por pro

porcionar esmeraldas de un verde intenso y profundo, inigualables en el mercado global. Esta riqueza geológica no solo ha impulsado una importante actividad económica, sino que también ha tejido una rica historia cultural en torno a la "fiebre verde", llena de leyendas, tradiciones y personajes que forman parte de la idiosincrasia nacional.



Colombia es uno de los nueve países que conforman la vasta e imprescindible región del Amazonas, compartiendo este pulmón del mundo con naciones como Brasil y Perú. Este territorio, que abarca cerca de un tercio de la superficie total del país, se extiende sobre varios departamentos del sur y representa una de las fronteras más





فرہنگ و تمدن ملل، سرزمین جادویی کلمبیا



verdes y biodiversas de la nación. La porción colombiana de la Amazonía no es solo una extensión de selva, sino un espacio vital de una riqueza biológica y cultural incalculable, fundamental para la regulación del clima global y el ciclo del agua de todo el continente.

Colombia es, en esencia, la cuna y el máximo representante del realismo mágico. Este género no es solo una corriente literaria, sino un re





flejo fiel de la idiosincrasia nacional, donde lo cotidiano se entrelaza con lo extraordinario de forma natural. En los pueblos caribeños donde el calor altera la percepción del tiempo, en las

historias que se cuentan generación tras generación y donde los mitos se confunden con la historia, allí habita el espíritu de Macondo. García Márquez no inventó esta realidad, sino que supo capturar

la esencia de un país donde la magia no es una fuga de la realidad, sino una parte inherente de ella. Por eso, para los colombianos, el realismo mágico no es solo una etiqueta cultural, sino la manera

de entender y narrar su propia existencia. Colombia posee una asombrosa diversidad de pisos térmicos, un fenómeno determinado directamente por la imponente cordillera de los Andes, que



فرهنگ و تمدن ملل، سرزمین جادویی کلمبیا



se divide en tres ramales al cruzar el territorio. Esta geografía montañosa única permite que, en un mismo día, se pueda pasar del calor intenso de un valle a pocos metros sobre el nivel del mar, al frío de los páramos y las cumbres nevadas a más de 5,000 metros de altura. Esta variedad de climas y ecosistemas en un espacio relativamente pequeño es

uno de los factores que contribuye a la megadiversidad biológica y cultural del país. En cuanto al narcotráfico, durante dos décadas Colombia se consolidó como el principal productor de cocaína a nivel mundial. Esto se debió a que, en esa época, la droga era poco conocida incluso dentro del país y no existían grandes restricciones. Poco a poco, se



convirtió en un problema nacional, ya que otorgó un poder desmedido a los productores de la sustancia, convirtiéndolos en carteles de mafia muy poderosos. Sin embargo, con el paso del tiempo, las políticas de los diferentes gobiernos lograron erradicar y desmantelar a la mayoría de estos grupos. Es importante destacar que la mayoría de los colombianos están totalmente al margen de esas actividades ilegales, que, aunque han disminuido considerablemente, aún persisten. Paralelamente, se han producido grandes medios audiovisuales,





películas, libros y series que, si bien han mantenido vigente el estereotipo de Colombia y la mafia, no representan la compleja y diversa realidad actual del país. Hoy, uno de los mayores embajadores de Colombia a nivel internacional es la Selección Colombia de fútbol.

Colombia ha dado al mundo algunas de las estrellas más admiradas del fútbol moderno. Jugadores como James Rodríguez, Radamel Falcao García y Luis Díaz se han convertido en símbolos del talento colombiano, brillando tanto en la Selección como en los clubes más presti

giosos del planeta. James Rodríguez cautivó al mundo con su magia en el Mundial de 2014, donde fue goleador del torneo. Su visión y calidad lo llevaron a vestir camisetas legendarias como Real Madrid, Bayern Múnich y Porto. Radamel Falcao, conocido como El Tigre,



es uno de los mejores delanteros de su generación. Su potencia y olfato goleador dejaron huella en equipos de élite como Atlético de Madrid, Porto y Monaco, consolidándolo como el máximo artillero en la historia de la Selección.

Luis Díaz, la nueva joya del fútbol colombiano, deslumbra con su velocidad y regate en la Premier League. Con el Liverpool, se ha convertido en una figura global, representando el presente y el futuro del fútbol cafetero.

Estas estrellas no solo han llevado el nombre de Colombia por el mundo, sino que también han demostrado que el país sigue siendo una cuna de talento, pasión y buen fútbol.



فرہنگ و تمدن ملل، سرزمین جادویی کلمبیا





مصاحبه



سبتین جعفری

دانشجوی کارشناسی مهندسی کامپیوتر

اهل پاکستان

جناب آقای دکتر پیام طریقی

رئیس اداره جذب هیأت علمی دانشگاه بین المللی اهل بیت علیهم السلام

لطفا خلاصه‌ای از زندگینامه فردی و علمی خود برای خوانندگان نشریه رستاک اندیشه بیان کنید:

بسم الله الرحمن الرحيم

اینجانب پیام طریقی، عضو هیأت علمی رشته مهندسی عمران در دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع) هستم که در زمینه آموزش، تحقیق و توسعه علمی در حوزه مهندسی عمران فعالیت دارم. زمینه‌های اصلی فعالیت پژوهشی من شامل طراحی و تحلیل سازه‌ها، به‌کارگیری روش‌های نوین مهندسی



مصاحبه، جناب آقای دکتر پیام طریقی

در بهینه‌سازی عملکرد سازه‌ها و مشارکت در پروژه‌های کاربردی با رویکرد بین‌المللی است و تاکنون در مجامع علمی متعدد حضور داشته و در انتشار مقالات تخصصی و اجرایی در ژورنال‌ها و همایش‌های علمی مشارکت داشته‌ام. علاوه بر تدریس در مقاطع مختلف تحصیلی، در امر ویرایش علمی و مشارکت در نشریات تخصصی مهندسی نیز نقش داشته‌ام، از جمله به‌عنوان سردبیر یا عضو هیأت تحریریه مجلات علمی مرتبط با دانشگاه.

ب: بایسته‌های کار فرهنگی از نظر شما چیست؟

کار فرهنگی مؤثر مستلزم:

الف: تعمیق ارزش‌های انسانی و اخلاق حرفه‌ای در ذهن افراد.

ب: ترویج گفت‌وگوی فرهنگی به‌جای تقابل فرهنگی.

ج: ایجاد فضای مشارکت‌جویانه و فعال برای

دانشجویان و استادان.

د: ارتباط مستمر با جامعه و پیوند میان دانشگاه و عرصه‌های فرهنگی - اجتماعی.

این بایسته‌ها باعث انسجام، پویایی و اثرگذاری فرهنگی می‌شوند و دانشگاه را تبدیل به «خانه فرهنگ» می‌کنند.

ج: از دیدگاه شما افق دانشگاه در حیطه فرهنگی چیست و با توجه به چندگانگی فرهنگی موجود در دانشگاه، چه راهکارهایی را برای تقریب فرهنگ‌ها پیشنهاد می‌کنید؟

دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع) به‌عنوان محلی برای تلاقی فرهنگ‌های گوناگون و گسترش دانش و معرفت اسلامی، چشم‌انداز فرهنگی روشنی دارد.

این افق شامل:

ارتقای فهم مشترک از ارزش‌ها و باورها.

تسهیل گفت‌وگوی بین فرهنگی.



مصاحبه، جناب آقای دکتر پیام طریقی

تربیت نیروی فرهنگی آگاه و توانمند؛
تقویت هویت دینی و انسانی دانشجویان است.
برای تقریب فرهنگ‌ها، پیشنهاد می‌شود:
الف: برگزاری کارگاه‌ها و نشست‌های بین‌فرهنگی با حضور دانشجویان از ملیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف.
ب: طراحی برنامه‌های مشترک فرهنگی و هنری که زمینه تبادل ارزش‌ها را فراهم کند.
ج: تقویت کلاس‌های زبان و فرهنگ‌های جهانی در دانشگاه.

د: استفاده از پروژه‌های پژوهشی تعاملی که موضوعات میان‌فرهنگی را مورد بررسی قرار می‌دهند.
د: مؤلفه‌های دانشگاه بین‌المللی از نظر شما

چیست؟

دانشگاه بین‌المللی باید:

الف: چندزبانی و چندفرهنگی باشد.

ب: محور پژوهش‌های جهانی و مشترک با دیگر

دانشگاه‌ها باشد؛

ج: دانشجویان و استادان را برای فعالیت در عرصه‌های جهانی تربیت کند.

د: بسترهای تعامل علمی و فرهنگی بین‌المللی را فراهم سازد.

دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع) با پذیرش دانشجویان از فرهنگ‌ها و قاره‌های گوناگون و ایجاد رشته‌های متنوع در سطوح مختلف، این مؤلفه‌ها را دنبال می‌کند.

ه: به نظر شما مشارکت دانشجویان در

فعالیت‌های فرهنگی دانشگاه بین‌المللی

با سایر دانشگاه‌ها چه تفاوت‌هایی دارد؟

مشارکت فرهنگی دانشجویان در دانشگاه بین‌المللی:

ا: دارای تنوع فرهنگی و ملیتی بالا است که

به خودی خود فرصت یادگیری و تبادل فرهنگی

ایجاد می‌کند.



مصاحبه، جناب آقای دکتر پیام طریقی

مشارکت جویانه، حمایت از تشکلهای دانشجویی و تقویت رویدادهای فرهنگی داشته است. تقویت ارتباط با دانشجویان ملیتی، افزایش برنامه‌های گفت‌وگوی فرهنگی و تأکید بر ارزش‌های انسانی از نقاط قوت بالقوه این معاونت است.

ضمن تشکر از فرصتی که در اختیار گروه مصاحبه نشریه رستاک اندیشه گذاشتید، در پایان اگر نکته‌ای دارید بفرمایید.

در پایان از نشریه محترم رستاک اندیشه بابت توجه به مسائل فرهنگی دانشگاه سپاسگزارم. دانشگاه‌های امروز بایستی در مسیر گسترش فهم جهانی و تربیت انسان‌های فرهنگ‌پذیر و نوآور گام بردارند. با تکیه بر ارزش‌های انسانی و تعامل فرهنگی، می‌توان جامعه‌ای پویا، خلاق و متعهد ساخت. آرزوی موفقیت برای همه دست‌اندرکاران فرهنگ و دانشگاه دارم.

ب: فعالیت‌ها در مقیاس جهانی و میان‌فرهنگی تعریف می‌شوند و برای تمام دانشجویان قابل دسترس‌اند. ج: با ارتقای مهارت‌های رهبری فرهنگی و اجتماعی، فرصت برای نقش‌آفرینی در جامعه جهانی فراهم می‌آورد.

د: مشارکت در دانشگاه بین‌المللی، غالباً با هدف ایجاد ارتباطات بین‌المللی، گفت‌وگوی تمدن‌ها و حل مسائل جهانی شکل می‌گیرد.

و: عملکرد معاونت فرهنگی و دانشجویی را

چگونه ارزیابی می‌کنید؟

معاونت فرهنگی و دانشجویی با هدف ارتقای سلامت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه، برنامه‌های متنوعی را در حوزه‌های:

تربیتی؛ هنری؛ اجتماعی؛ بین‌المللی اجرا می‌کند.

این معاونت نقش مهمی در ایجاد فضای



The Impact of Technology on International Trade

مقاله علمی



فرمان حیدر

دانشجوی کارشناسی مهندسی کامپیوتر

اهل پاکستان

Technology has become such a natural part of our lives that we often forget how deeply it shapes the world around us. From checking our phones the moment, we wake up to scrolling through social media before going to sleep, technology quietly surrounds

us. But beyond the personal routines of daily life, technology is also transforming something much bigger: the way countries trade with each other. International trade, once slow and limited by distance, has become faster, smarter, and more connected

than ever before and technology is the driving force behind this change. Today, a business in one country can sell its products to customers thousands of kilometers away with just a few clicks. Farmers can find buyers in foreign markets, small shops can

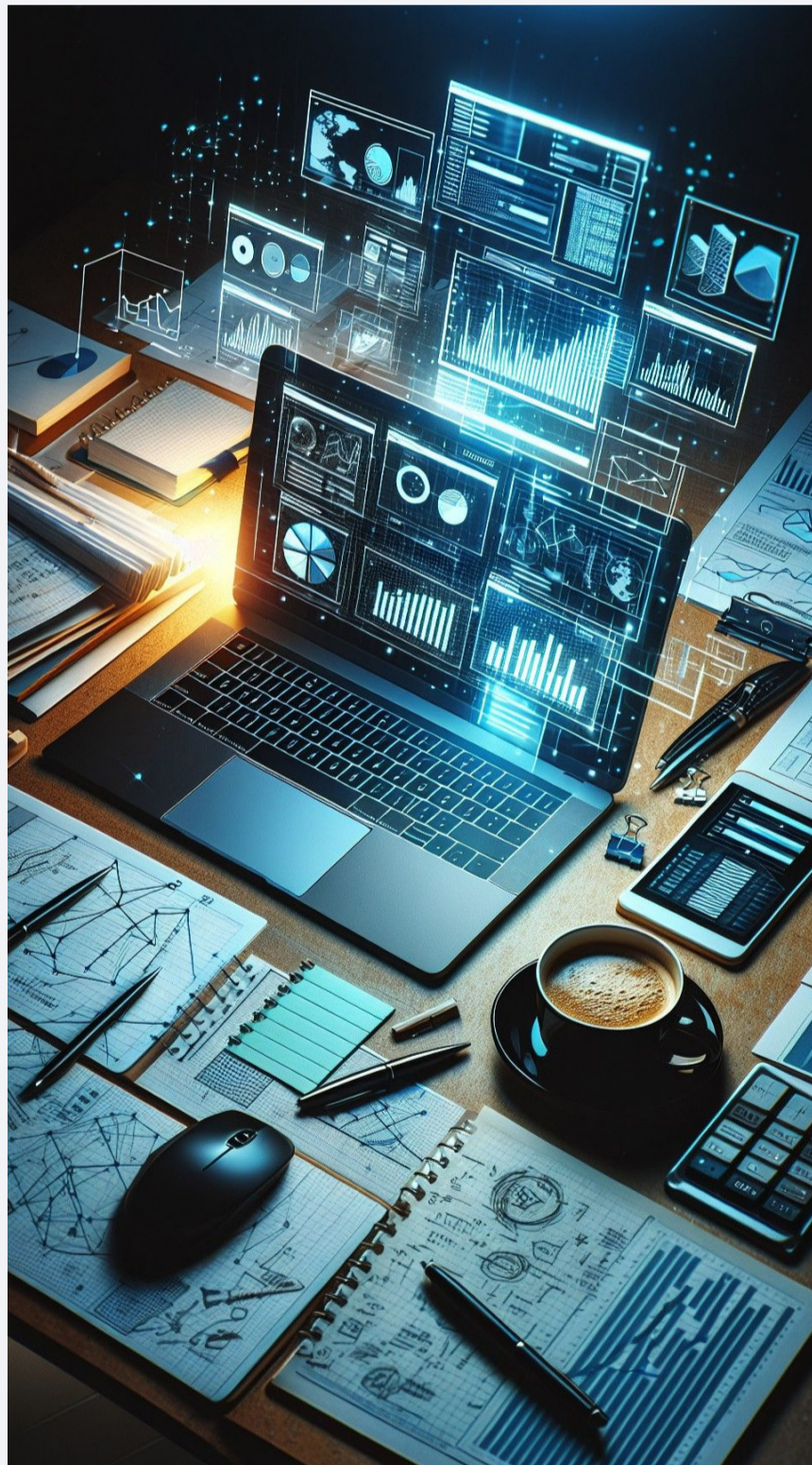


reach international customers through online platforms, and companies can communicate instantly with partners across the world. The barriers that once made global trade difficult are now far smaller, thanks to digital tools and technological progress. One of the biggest changes technologies has brought to international trade is the revolution in communication.

Sending an email, sharing a document, or making a video call now feels ordinary, but from a business perspective, these tools are extraordinary. In the past, companies depended on letters, long-distance calls, or expensive trips just to discuss a simple deal. Today, business partners can negotiate prices, sign contracts, and make decisions in real



مقاله علمي، تاثير فناوري بر تجارت بين الملل



time through virtual meetings. This speed allows companies of all sizes not just large corporations to enter the global market with confidence. E-commerce has pushed this transformation even further. Online shopping has become a normal part of daily life, but behind every online purchase is a huge international network. Platforms like Amazon, Alibaba, and many regional websites allow sellers to display their products to millions of potential buyers around the



world. A small business no longer needs a physical store abroad or a network of foreign distributors. With a smartphone and an internet connection, it can instantly reach a global audience. This has opened the doors of international trade to countless small entrepreneurs who might never have had this opportunity before. Digital payments also play a major role in modern trade. Today, paying for something from another country takes only a few seconds. Online banking, credit cards, and





مقاله علمی، تاثیر فناوری بر تجارت بین الملل

digital wallets have replaced slow and complicated methods of transferring money across borders. Technology has made international transactions safer, faster, and easier to track. Even cryptocurrencies are slowly entering the world of global payments, offering an alternative to traditional banking systems, although they are still developing. Technology is not only changing how we buy and sell it is also transforming how goods are produced. Modern factories use robots, automated machines, and computer-controlled systems to make products with high

speed and precision. These technologies reduce mistakes, increase efficiency, and lower production costs. As a result, countries with advanced manufacturing systems can produce goods more competitively, strengthening their position in international trade. Of course, this shift also affects workers. While machines take over many repetitive tasks, humans are needed to supervise, repair, and improve these systems. Jobs are not disappearing; they are changing. Workers now need more technical skills, and education is becoming even more important for economic success.



مقاله علمی، تاثیر فناوری بر تجارت بین الملل

Transportation one of the most essential parts of international trade has also improved dramatically. Ships, trucks, and planes now use advanced navigation tools, GPS tracking, and automated systems to deliver goods more reliably. Not long ago, companies often had little idea where their shipments were once, they left the country. Today, real-time tracking allows both sellers and buyers to see exactly where their goods are. This builds trust, reduces delays, and makes global trade more predictable. Warehouses have also become smarter. Many large companies use





robots to move, sort, and pack goods quickly. Artificial intelligence predicts which products will be in high demand, helping companies manage inventory and avoid shortages. These improvements make global supply chains smoother and more efficient. Another important technological innovation is blockchain. Although

often linked with cryptocurrencies, blockchain is mainly a secure way to record information. In global trade, this means every step of a product's journey can be stored in a system that cannot be easily changed or hacked. For example, a food product shipped across borders can be tracked from farm to store, giving customers confidence in its quality and safety.



This transparency helps reduce fraud and mistakes in international supply chains. Artificial intelligence is also reshaping trade. AI can analyze huge amounts of data to predict market trends, identify risks, and help companies make better decisions. At borders, AI-powered systems help customs officers scan shipments faster and catch illegal items more effectively. This speeds

up trade while increasing security. However, while technology brings many benefits, it also creates challenges. Cybersecurity is one of the most serious concerns. As more business is done online, the risk of hacking, data theft, and system failures increases. A cyberattack on a port, bank, or shipping company could disrupt trade and cause major economic damage. Coun

tries and companies must therefore invest in strong digital protection. Another challenge is the digital divide the gap between regions that have access to advanced technology and those that do not. Some countries enjoy fast internet, modern infrastructure, and strong digital skills. Others struggle with outdated systems and limited technological resources. Without support and



مقالہ علمی، تاثیر فناوری بر تجارت بین الملل

investment, countries with weaker digital foundations may fall behind in global trade. Job displacement is also a concern. When factories automate or when businesses shift online, some traditional jobs disappear. This creates social and economic challenges that governments must address through training programs and education, helping workers adapt to new types of employment created by technological change. Despite these challenges, the future of international trade is inseparable from technology. New

innovations are already emerging, such as self-driving trucks, drone deliveries, and smarter global networks powered by 5G and beyond. Green technology will make transportation cleaner, and digital currencies may simplify global payments even more. Perhaps the most inspiring part of this story is that technology is not just helping large corporations it is empowering ordinary people. Students, freelancers, small shop owners, farmers, and artists can now enter the global market with tools that were once available only to big industries. With creativity and the



right digital skills, almost anyone can become a participant in international trade.

In the end, the impact of technology on international trade is a story of connection. It is about how the world has become smaller, faster, and more open to new possibilities. Technology has turned global trade into something more democratic, more efficient, and more accessible. As long as we use it wisely, technology will continue to create opportunities that bring people, businesses, and nations closer together.

معرفی افراد برجسته



اسماعیل ماہازاکا

دانشجوی کارشناسی مدیریت بازرگانی

اهل ماداگاسکار

Roudaki : Père fondateur de la poésie persane et figure majeure de la renaissance culturelle iranienne

Abu Abdollah Djafar ibn Mohammad Roudaki, grand poète iranien, occupe une place fondatrice dans l'histoire de la culture et de la littérature de l'Iran. Connu universellement sous le nom de Roudaki, il est généralement reconnu comme le premier grand poète de langue persane (farsi/dari) et comme le fondateur de la poésie persane classique. Figure majeure de l'identité culturelle iranienne aux



premiers' siècles de l'époque islamique, Roudaki incarne la continuité et le renouveau de la tradition littéraire iranienne. Son œuvre marque le point de départ d'une tradition poétique exceptionnelle qui, au fil des siècles, donnera naissance à certains des plus grands chefs-d'œuvre de la culture iranienne et de la littérature mondiale.

I. Contexte historique et culturel

La naissance de Roudaki vers l'an 858 s'inscrit dans une période de profonds bouleversements culturels. Après la con

quête arabe du VII^e siècle, la langue arabe s'était imposée comme langue dominante dans les domaines religieux, scientifiques et littéraires. Cependant, à partir du IX^e siècle, un mouvement de renaissance culturelle persane émergea, notamment sous le règne de la dynastie des Samanides.

Les souverains samanides jouèrent un rôle déterminant dans la promotion de la langue persane comme langue de culture et de création littéraire. Ce contexte favorable permet

معرفی اشخاص برجسته، شاعر بزرگ ایران، رودکی



à la poésie persane de se développer et de s'affirmer. Roudaki fut le premier poète à exploiter pleinement ce renouveau et à démontrer les capacités expressives et esthétiques du persan.

II. Origines et formation

Roudaki naquit dans le village de Panjrud, près de Samarcande, une région alors réputée pour son dynamisme intellectuel et culturel. Très tôt, il manifesta des aptitudes remarquables pour la poésie et la



musique. Les sources historiques évoquent son intelligence exceptionnelle, sa mémoire prodigieuse et son sens artistique aigu.

La question de sa cécité demeure sujette à débat. Certains biographes affirment qu'il était aveugle dès la naissance, tandis que d'autres soutiennent qu'il perdit la vue à la fin de sa vie. Quoi qu'il en soit, cette caractéristique contribue à renforcer l'image d'un poète guidé par une perception intérieure profonde et une sen-

معرفی اشخاص برجسته، شاعر بزرگ ایران، رودکی

sibilité hors du commun.

III. Le poète et le musicien

Roudaki se distinguait également par son talent musical. Il était chanteur et instrumentiste, et il récitait souvent ses poèmes en les accompagnant de musique. Cette fusion entre poésie et musique conférait à ses œuvres une force émotionnelle particulière et facilitait leur transmission orale.

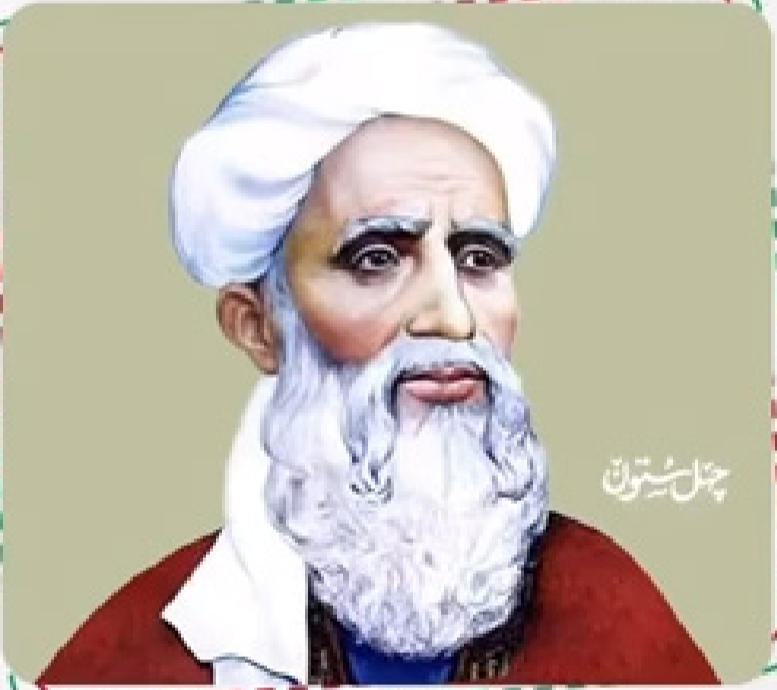
La musicalité de ses vers se manifeste par une grande fluidité rythmique et une simplicité formelle, qui rendent sa poésie

معرفی اشخاص برجسته، شاعر بزرگ ایران، رودکی

accessible et mémorable. Cette caractéristique explique la popularité durable de ses poèmes auprès de publics variés.

IV. Roudaki à la cour des Samanides

Grâce à sa renommée croissante, Roudaki fut invité à la cour du souverain samanide Nasr II ibn Ahmad, où il occupa la fonction de poète officiel. Il y jouissait d'un prestige considérable et participait activement



این شاعر نامدار، مثل
آب خوردن شعر می‌سرود

فردا ایران



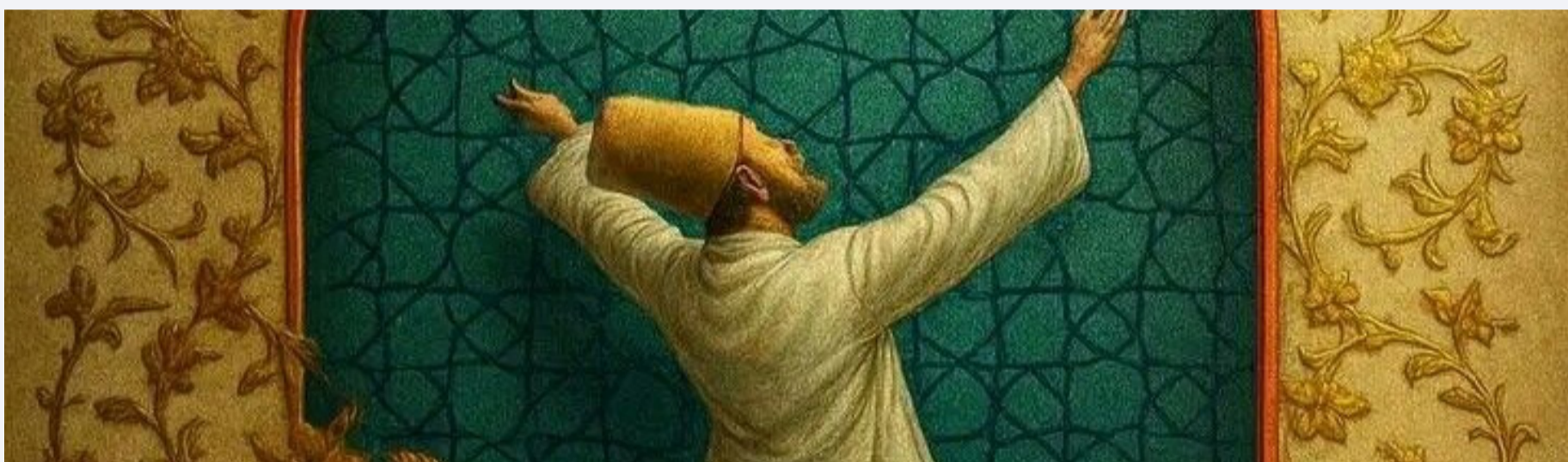
à la vie intellectuelle de la cour. L'un de ses poèmes les plus célèbres, composé pour encourager le roi à retourner à Boukhara, illustre de manière exemplaire le pouvoir de la poésie à cette époque. Par la simplicité de son langage et la force de ses images, Roudaki parvint à influencer la décision du souverain, démontrant ainsi le rôle social et politique du poète dans la société iranienne médiévale.

V. L'œuvre poétique

Les sources anciennes esti

معرفی اشخاص برجسته، شاعر بزرگ ایران، رودکی

ment que Roudaki aurait composé plusieurs dizaines de milliers de vers, couvrant une grande diversité de genres poétiques. Malheureusement, seule une infime partie de cette œuvre monumentale nous est parvenue. Les fragments conservés révèlent néanmoins un poète doté d'une maîtrise remarquable du langage. Son style se caractérise par la clarté, la sobriété et la précision des images, sans recours excessif aux ornements rhétoriques.



VI. Thèmes majeurs

La poésie de Roudaki aborde des thèmes universels, parmi lesquels :

- la nature, décrite avec délicatesse et sensibilité ;
- la joie de vivre et les plaisirs simples de l'existence ;
- la fugacité du temps et la fragilité de la condition humaine ;
- la sagesse morale, exprimée

avec modération et humanité.

Ces thèmes confèrent à son œuvre une portée intemporelle et universelle.

VII. Pensée philosophique et humanisme

La vision du monde de Roudaki est profondément humaniste. Il valorise l'expérience humaine, la modération et la recherche du bonheur.



معرفی اشخاص برجسته، شاعر بزرگ ایران، رودکی

Sans s'opposer à la spiritualité, il privilégie une approche équilibrée de la vie, fondée sur la sagesse et l'acceptation de l'impermanence. Cette philosophie confère à sa poésie une dimension réflexive et morale, tout en préservant une grande sensibilité émotionnelle.

VIII. Influence et héritage

L'influence de Roudaki sur la littérature persane est considérable. Il posa les bases linguis





tiques et stylistiques sur lesquelles s'appuyèrent de grands poètes tels que Ferdowsi, Omar Khayyam, Saadi, Hafez et Rumi. Son rôle dans la consolidation de la langue persane en tant que langue littéraire fut déterminant pour la préservation de l'identité culturelle iranienne. Aujourd'hui encore, Roudaki

est honoré dans l'ensemble du monde persanophone, notamment en Iran et au Tadjikistan. IX. Fin de vie Malgré son immense renommée, la fin de la vie de Roudaki fut marquée par l'isolement et la pauvreté. Ayant perdu la faveur de la cour, il retourna dans sa région natale, où il mourut vers l'an 940. Ce destin contrasté



illustre la fragilité de la condition des artistes, même les plus illustres. Roudaki demeure une figure fondatrice de la poésie persane. Par la clarté de son langage, la profondeur de sa pensée et la richesse de sa sensibilité artistique, il a donné naissance à une tradition poétique d'une importance capitale. Son œuvre constitue un témoignage majeur de la renaissance culturelle iranienne et continue, aujourd'hui encore, d'inspirer lecteurs et chercheurs.

دکلمه



حسن حسن

دانشجوی کارشناسی مهندسی کامپیوتر

اهل سوریه

سرا العظيمة وهداية النور مولود الكعبة

عن نصره الحق -

جمع بين القوة والعدل، وبين الزهد والمسؤولية، فحكم الناس بميزان الإنصاف -

لم تكن حياته طلباً للدنيا، بل سعيًا لإقامة القيم الإلهية -

كان صوت المظلومين، وملجأ الضعفاء، وحصن العدالة في زمن الانحراف -

لقد شكّلت شخصيته امتدادًا حيًا لرسالة النبي، وتجسيدًا عمليًا لمبادئ الإسلام -

وستبقى ولادته في الكعبة شاهدًا خالدًا على عظمة الإمام عليّ عليه السلام -

ودليلاً على أن هذا المولود لم يكن رجلاً عادياً، بل مشروعاً هداية للأمم جمعاء -

أحد قبله ولا بعده، فارتبط اسمه

بالكعبة منذ اللحظة الأولى لوجوده -

نشأ في بيت النبوة، وتربى في ظلّ رسول الله محمد صلى الله عليه وآله،

فكان أقرب الناس إليه علماً وفهماً وأخلاقاً -

سبق الجميع إلى الإيمان، ولم يسجد لصنم قط، فكان نموذجاً للطهارة

الفكرية والروحية -

تميّز بالعلم العميق، والحكمة البالغة،

والبصيرة النافذة، حتى أصبح مرجعاً في القضاء والفتوى -

وكان مثالاً للشجاعة في ميادين الجهاد، لا يفرّ من ساحة، ولا يتراجع

وُلد الإمام عليّ بن أبي طالب عليه

السلام في الثالث عشر من شهر رجب،

في حادثة فريدة لم يشهد التاريخ لها مثيلاً

لقد شاءت الإرادة الإلهية أن تكون ولادته في قلب الكعبة المشرفة، أقدس

بقاع الأرض، إعلاناً مبكراً عن مقام عظيم ودور استثنائي في مسيرة

الإسلام

دخلت فاطمة بنت أسد بيت الله

الحرام بعد أن انشق جداره لها، فكان ذلك كرامة ظاهرة ودليلاً على عناية

ربانية خاصة وُلد الإمام عليّ في مكان لم يولد فيه



اردوی کرمان

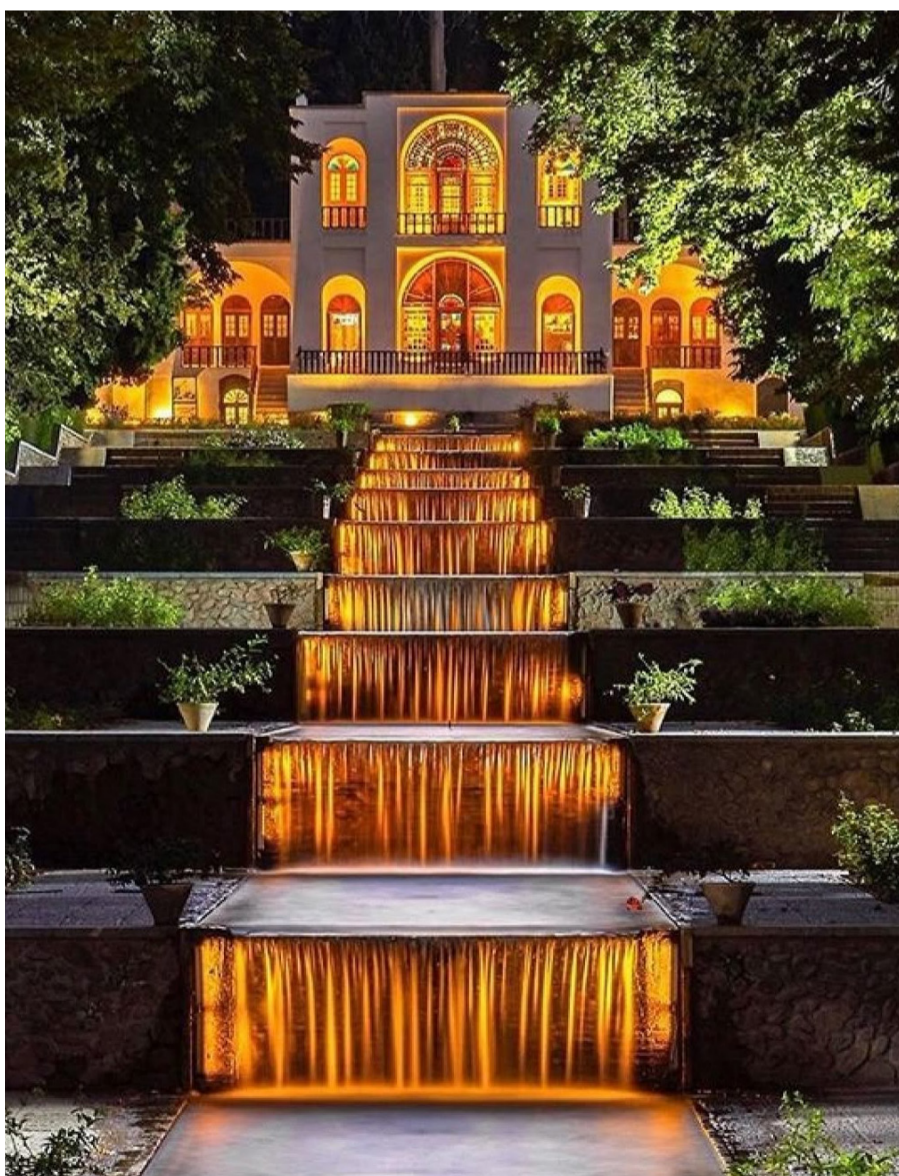
سفرنامه دانشجویی



بی بی فرشته لایق

دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام

اهل افغانستان



کرمان، این شهر کهن سال نشسته در حاشیه کویر لوت، با ارتفاعی حدود ۱۷۶۰ متر از سطح دریا، از دیرباز یکی از مهم ترین مراکز سکونتی ایران بوده است. شهری که همچون نگینی درخشان بر مسیر راه ابریشم، قرن ها شاهد رفت و آمد کاروان ها و شکل گیری تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران زمین بوده است.

در تاریخ ۱۰ آذر ۱۴۰۴ هـ.ش، اردوی علمی، فرهنگی، تاریخی و تفریحی شهر کرمان به همت دانشجویان گروه تاریخ و با همراهی دکتر مهدی محمدی، استادیار گروه تاریخ اسلام دانشگاه بین المللی اهل بیت (ع)، برگزار شد. در این سفر، جمعی از دانشجویان دانشگاه بین المللی اهل بیت (ع) از ملیت های مختلف حضور داشتند و فرصتی فراهم شد تا تاریخ، فرهنگ و هویت این دیار کهن از نزدیک لمس شود.

سفرنامه دانشجویی، اردوی کرمان



حال، مکان‌هایی که از آن بازدید کردیم را به اختصار برای تان شرح می‌دهم:

گلزار شهدای کرمان و مزار شهید حاج قاسم سلیمانی

نخستین ایستگاه سفر، گلزار شهدای کرمان بود؛ مکانی آکنده از سکوت و معنویت که نه تنها آرامگاه هزاران شهید دوران دفاع مقدس بود، بلکه مزار «سردار دل‌ها»، شهید حاج قاسم سلیمانی را نیز در خود جای داده بود. حضور در این فضا، با توضیحات دکتر محمدی درباره نقش کرمان در تاریخ معاصر ایران و جایگاه شهید سلیمانی در معادلات مقاومت منطقه‌ای همراه شد و حال و هوایی تأمل‌برانگیز به آغاز سفر بخشید.

سفرنامه دانشجویی، اردوی کرمان

باغ شاهزاده ماهان



دومین مقصد، باغ شاهزاده ماهان بود؛ باغی پلکانی و باشکوه در دل اقلیم خشک کویر که جلوه‌ای درخشان از نبوغ ایرانی در مهندسی آب به شمار می‌آید. در این بازدید، شیوه انتقال آب از قنات «تیگران» و بهره‌گیری هوشمندانه از شیب طبیعی زمین برای ایجاد جریان آب و خنک‌سازی فضا مورد بررسی قرار گرفت. این باغ که نمونه‌ای کم‌نظیر از باغ‌های ایرانی است، به‌حق در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیده است.

مجموعه گنجعلی خان



این مجموعه که نمونه‌ای کامل از یک «شهر در شهر» در دوره صفویه است، شامل: میدان، بازار، حمام، مسجد، کاروانسرا و ضرابخانه می‌باشد.

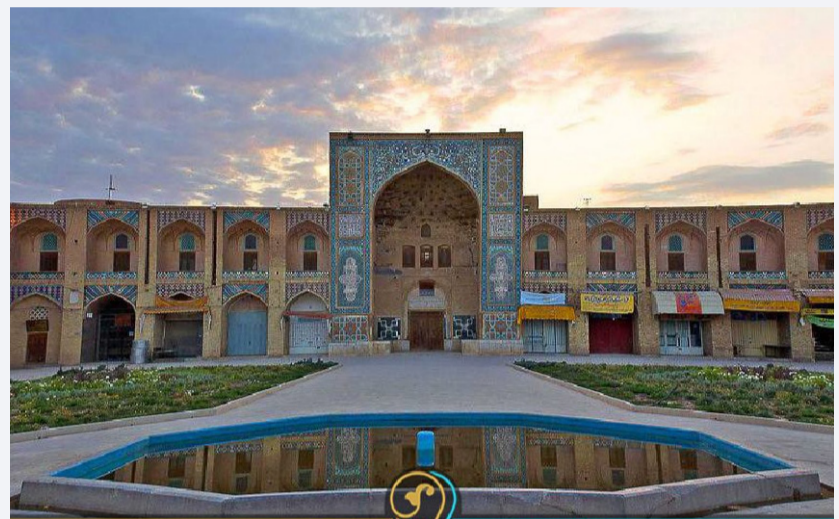


آرامگاه شاه نعمت الله ولی

در دل کوه‌های جوپار، آرامگاه عارف بزرگ قرن هشتم، شاه نعمت‌الله ولی، قرار دارد. معماری این بقعه با گنبد‌های فیروزه‌ای، صحن‌های مختلف، چله‌خانه و درب خاتم‌کاری شده، فضایی معنوی و عرفانی ایجاد کرده است.

نمایشگاه تربت خانه

این بخش شامل بخشی از خاک حرم حضرت امام حسین(ع) و مصالح استفاده شده در بازسازی عتبات عالیات است که



حمام گنجعلی خان با گچ‌بری‌ها و کاشی‌کاری‌های رنگین امروزه به موزه‌ای زنده تبدیل شده است. ضرابخانه نیز با نمایش سکه‌هایی از دوره‌های مختلف، گویای نظام اقتصادی آن دوران است.

مسجد جامع کرمان و مسجد ملک

مسجد جامع کرمان با گنبد ضربی و محراب گچی، نمونه‌ای از معماری قرن هشتم هجری است. مسجد ملک نیز کهن‌ترین مسجد کرمان محسوب می‌شود و محرابی از دوره آل بویه دارد. این دو بنا، پیوستگی تاریخ اسلام در این شهر را به نمایش می‌گذارند.



سفرنامه دانشجویی، اردوی کرمان

شامل نمونه‌هایی از خشت، کاشی، چوب و فلزات می‌باشد.

گنبد جبلیه (موزه سنگ)

گنبد جبلیه، بنایی سنگی در میانه بافت تاریخی کرمان است که از سنگ گرانیت محلی و آجر سفید ساخته شده و نمونه‌ای بارز از معماری پایدار است. با وجود بحث‌ها بر سر کاربری اولیه (آرامگاه اشرافی، آتشکده یا مقبره علویان)، این بنا از ساسانیان تا دوره قاجار همواره مورد استفاده بوده است. از سال ۱۳۸۳ به عنوان «موزه سنگ» بازسازی شده است. این گنبد، «دانش‌نامه سنگی کویر» است که درس‌هایی از اقلیم‌گرایی و هویت بومی را ارائه می‌دهد.

خانه تاریخی خاطبی

این بنا در سال ۱۳۰۵ ه.ق توسط «حاج

قاسم خاطبی» ساخته شد و نمادی از گذار از معماری سنتی به تجدد است. این خانه با هشتی گنبددار، تالار پنج‌دری با پنجره‌های رنگی و گره‌چینی گچی، و همچنین «شوادان» (زیرزمین) که بدون کولر دمای محیط را تا ۱۲ درجه کاهش می‌دهد، اهمیت زیادی دارد. این خانه که زمانی مرکز تعیین قیمت فرش بود، امروزه به مهمانسرای سنتی و موزه زنده تبدیل شده و معماری اصیل اسلامی-ایرانی را به نمایش می‌گذارد.

سفر به کرمان، فراتر از یک گشت تاریخی، تجربه‌ای عمیق از تداوم تاریخ و سازگاری با اقلیم بود. تاریخ در کرمان متوقف نشده و در هر سنگ و هر بنا، همچنان ادامه دارد. این سفر، آغازی برای فهم بهتر گذشته و ساختن آینده‌ای مبتنی بر اصالت‌های زیسته بود.

Report on the First Festival of Fatimid Life and Social Excellence:

As Azar 17, 1404 (December 17, 1425), which coincided with Student Day and the anniversary of the blessed birth of Hazrat Fatima Zahra (PBUH), the first international festival "Fatimid Life and Social Excellence" for international female students was held at Ahlul Bayt International University (PBUH) with a large attendance of interested

parties.

This important event was designed and implemented around three main axes, including a conference, exhibition, and sports competitions:

1. Conference and celebration ceremony:

The opening ceremony began with speeches by senior university officials. In this ceremony,

گزارش



کوثر علیویاھیا

دانشجوی کارشناسی مدیریت بازرگانی

اهل نیجریه

گزارش، مراسم جشنواره زندگی فاطمی و تعالی اجتماعی

Ayatollah Reza Ramezani (Chairman of the Board of Trustees), Hojjatoleislam Walmuslimin Saeed Jazari (Chairman of the University), and Dr. Sara Ardeshir Larjani (Deputy Dean of Research and Technology and Head of the Women's Department) delivered speeches. The main focus of this section was to honor outstanding women; thus, six successful international women (from Indonesia, Pakistan, Afghanistan, and Iran) in the fields of science, research, and sports, along with students from thirty different nationalities

from more than twenty universities and higher education centers in Tehran province, were honored. Cultural programs such as recitations and live music performances formed other parts of the conference.

2. Booth Exhibition:

Following this, a specialized exhibition was held with more than twenty booths. These booths included products and services in the fields of Iranian food and fast food, food courts, finger foods, handicrafts, traditional medicine services, as well as booths intro

ducing the activities of university vice-chancellors and promoting the culture of chastity and hijab.

3. Closing Ceremony and Sports Competitions:

The festival concluded with four recreational sports competitions. These included darts, ping-pong, handball, and snakes and ladders, with medals and prizes awarded to the first to third place winners in each category.



مرستاک اندلشیر

نشریه دانشجویی دانشگاه بین المللی اهل بیت علیهم السلام

گزارش، مراسم جشنواره زندگی فاطمی و تعالی اجتماعی





آرزو نمی میرد

داستانکی



ذکيه حسيني

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

اهل افغانستان



جوجه مرغکی زیبا و دوست داشتنی در دل جنگل ها و کوه ها زندگی می کرد. او همیشه با خویش در جدال بود؛ چون آن کسی نبود که دوست داشت باشد. آرزوهایی داشت که تنها آن ها را به خدا می گفت. خودش هم می دانست بسیاری از آن آرزوها شاید هرگز ممکن نشوند، اما باز از داشتنشان خوشحال بود و هر شب از زمزمه کردنشان لذت می برد.

روزها که می گذشت، زندگی درس های خوب و بد بسیاری به او می آموخت و کم کم عاقل تر و پخته تر می شد. تا این که روزی فهمید بعضی از آرزوهایش برآورده نشده اند و شاید هرگز نشوند. روزهای زیادی از لانه اش دور می ماند و برای از دست رفتن آن

داستانک، آرزو نمی میرد

آرزوها گریه و زاری می کرد.

روزی، روی شاخه‌ی درختی کنار آب نشسته بود؛ غمگین، پر از درد، ناامید و خسته از همه کس و همه چیز. نگاهش به باران افتاد که می بارید، با آب یکی می شد و شاد و خندان، غلطان غلطان دور می رفت. دید برگ‌ها از درخت جدا می شوند، با باد همراه می گردند و رقص کنان ناپدید می شوند. با خود گفت: «کاش من باران بودم؛ آن قدر دور می شدم که حتی خودم هم دیگر خودم را نمی شناختم.» مدت‌ها در فکر فرو رفت. وقتی به خود آمد، دید زمان زیادی است از لانه‌اش دور مانده. افکار نیمه تمامش را با خود به خانه برد تا به آن‌ها سر و سامان بدهد. روزها گذشت و مرغک قصه‌ی ما، روزبه‌روز زیباتر و رعنا تر شد. تا این که روزی رسید که باید

می رفت؛ برای ساختن خود. رفتنی که با ترس‌های زیادی همراه بود. می ترسید مادرش را تنها بگذارد، می ترسید از چیزهایی که با بی‌رحمی در انتظارش بودند. نه دل ماندن داشت و نه پای رفتن. تصمیم گرفت همه‌ی ترس‌هایش را در کیسه‌ای جمع کند و با خود ببرد؛ شاید جایی به آن‌ها نیاز پیدا می کرد. اگر هم نه، آن‌ها را کنار خود نگه می داشت. نمی خواست دورشان بیندازد؛ سال‌ها همراهش بودند. هر کدام سهمی داشتند:

سهمی از دلتنگی،

سهمی از غم،

سهمی از نفرت و عشق،

سهمی از خوبی و بدی،

سهمی از غرور و نابرابری،

سهمی از درد،

داستانک، آرزو نمی میرد

سهمی از نداشته‌ها و ندانسته‌ها،
سهمی از دانسته‌ها و داشته‌ها،
سهمی از خنده‌ها و گریه‌ها؛
سهمی از تمام وجودش.

کیسه را برداشت و شروع به پرواز کرد.
آن قدر بال زد و بال زد تا خسته شد و مکثی
کرد. با خود حساب کرد: در تمام این سال‌ها
چه کرده است؟ چه کار خوبی انجام داده؟
آیا برای رسیدن به آرزوهایش تلاشی کرده،
دردی را به جان خریده؟

و ناگهان فهمید که نه؛ هیچ کاری نکرده
است!

در همان مکث کوتاه تصمیم گرفت بدود؛
آن قدر تند که جبران همه‌ی سال‌هایی باشد
که بی‌حرکت مانده بود. مرغک قصه‌ی ما
آن قدر با سرعت رفت که گذر زمان را؟

نفهمید. یک شب به خود آمد و دید سال‌های
زیادی گذشته و به بعضی از آرزوهایش رسیده
است؛ بی‌آن‌که حتی متوجه تحققشان شده باشد.
آن شب آن قدر خدا را شکر کرد که زبانش از
حرکت ایستاد. خدا را با تمام وجودش حس کرد؛
دید که چگونه با مهربانی، صبر و حوصله، پای تمام
ناامیدی‌ها، ناله‌ها و شکایت‌هایش نشسته و او را تا
این‌جا رسانده است.

پرنده فهمید که در دل خدا جای خوبی دارد؛ جایی
که حس می‌کرد مخصوص خود اوست. از آن شب
زیبا و به‌یادماندنی به بعد دانست که دیگر تنها
نیست؛ در هر جا و هر حال، خدا با اوست.

او هنوز هم آرزوهایی دارد که به آن‌ها نرسیده است
حالا شما بگویید:

آیا خواهد رسید؟

Effort is the unseen heartbeat of every meaningful life.

It moves quietly beneath the surface of our days,

steady and persistent, even when hope feels fragile

and the world offers no immediate reward.

We often admire the visible results the success, the calm confidence, the fulfilled dreams

but rarely do we see the long nights, the repeated failures,

the moments of doubt that shaped them.

Yet it is effort that stands patiently in those shadows,

holding the soul together when certainty disappears.

دلنوشتہ



یاعوبلو

دانشجوی کارشناسی مهندسی معماری

اهل نیجریہ

Life does not ask us to be flawless; it asks us to be faithful to our striving.

Effort is the act of choosing growth over comfort,

of believing in tomorrow when today feels incomplete.

It is the courage to begin again, even after disappointment has taken its place in the heart.

There are seasons when effort

feels heavy,
when progress is slow and silence
replaces encouragement.

In those moments, effort becomes
an act of faith
faith that every step, no matter
how small,
is shaping something greater than
we can see.

Through effort, we are refined.
Our weaknesses soften into wis-
dom,
our fears lose their power,
and our persistence becomes a
quiet strength.

Effort teaches us patience with
time
and compassion toward ourselves.
It is effort that transforms dreams



دلنویسی

from distant thoughts
into living realities.

Not through sudden miracles,
but through daily commitment, qui-
et discipline,
and the refusal to surrender to de-
spair.

In the end, effort is more than the
path to success
it is the soul's way of honoring life
itself.

A life built on effort may carry scars,
but those scars tell a story of endur-
ance, purpose, and becoming.

And in that becoming, we find not
just achievement,
but meaning.



تکلیف دو نعت در خشان از دو شاعر معاصر افغانستان

مقاله ادبی



حیات الله رهیاب

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

اهل افغانستان



نعت، به معنای وصف و ستایش پیامبر مکرم اسلام (ص)، همواره جایگاهی ویژه در ادبیات فارسی داشته است. نعتیه‌ها، چه در نظم و چه در نثر، از دیرباز مورد توجه سخن‌سرایان بوده‌اند. در ادب فارسی، به ندرت می‌توان کتاب، رساله یا دیوانی یافت که پس از حمد خداوند متعال، نعت پیامبر (ص) در آن نیامده باشد. نعتیه‌ها عمدتاً حاوی مضامین توصیفی درباره خصال، سیره، اخلاق، گفتار و عملکردهای پیامبر خاتم (ص) هستند. در این مقاله، به تحلیل تطبیقی دو نعت از دو شاعر معاصر افغانستان، عبدالرازق



مقاله ادبی، تحلیل دو نعت درخشان از دو شاعر افغانستان

انتشارات و فعالیت‌های فرهنگی، آثار ارزشمندی از خود به جا گذاشت. از وی مجموعه شعرهایی با عناوین «ارمغان جوانی»، «بارانه»، «ابر و آفتاب»، «شکست شب»، «دشت آینه» و «تصویر» به جا مانده است. (منبع: ۱۳۷۷: ۶)

توضیح ویراستاری: فرض شده است منبعی که با سال ۱۳۹۹ ذکر شده بود، احتمالاً به دلیل خطای تایپی، باید با توجه به زمینه، به یک سال منطقی‌تر (مانند ۱۳۷۷ یا سال نشر اثر) اصلاح شود. در اینجا برای انسجام، به صورت فرضی ۱۳۷۷ قرار داده شد. لطفاً این ارجاع را با مرجع اصلی خود مطابقت دهید.

محمود فارانی: محمود فارانی در سال ۱۳۱۷ هجری خورشیدی در کابل متولد شد. تحصیلات خود را در دانشکده شرعیات دانشگاه کابل آغاز



فانی و محمود فارانی، می‌پردازیم.

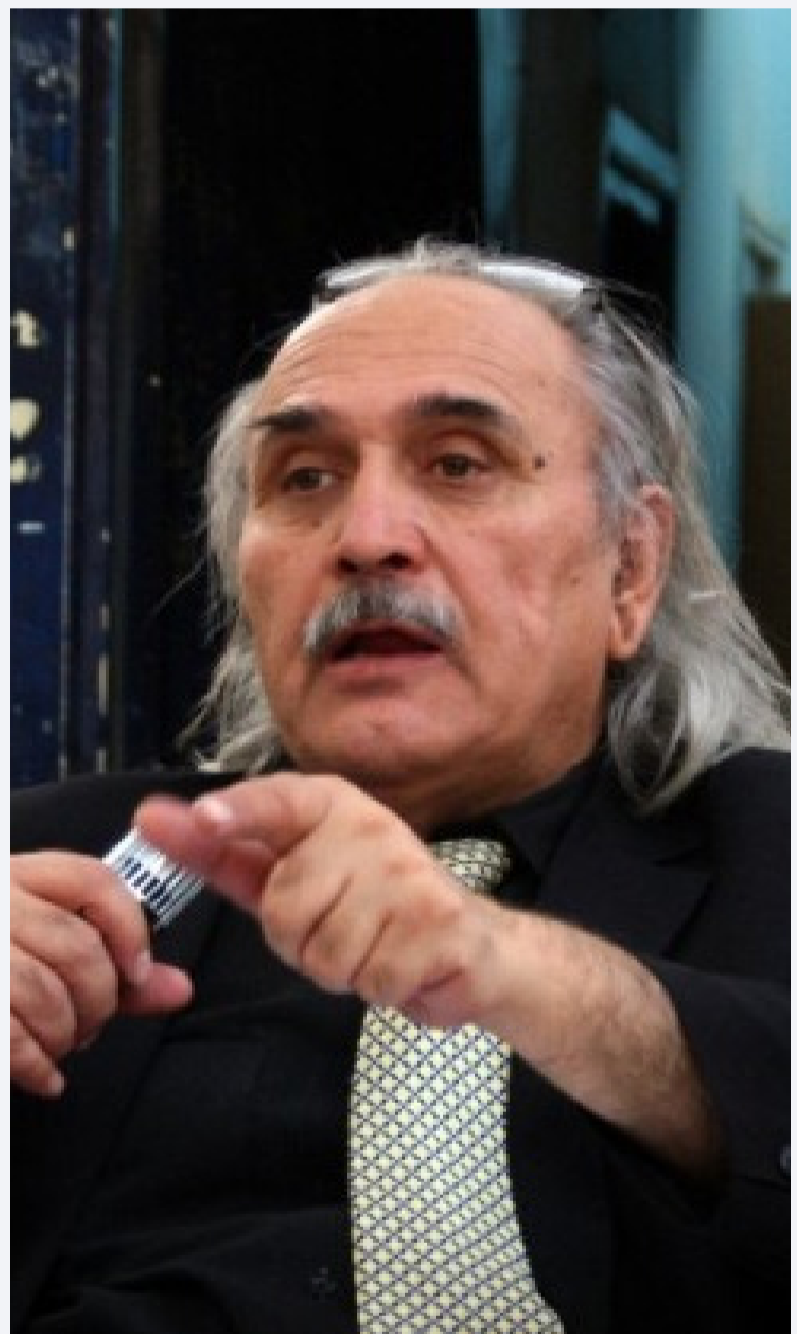
آشنایی با شاعران

عبدالرازق فانی: عبدالرازق فانی در سال ۱۳۲۲ هجری خورشیدی در کابل متولد شد. او تحصیلات عالی خود را در سال ۱۳۵۶ هجری خورشیدی با کسب مدرک کارشناسی ارشد در رشته‌ی اقتصاد سیاسی از بلغارستان به پایان رساند. فانی سرودن شعر را از سال ۱۳۴۰ هجری خورشیدی آغاز کرد و در عرصه‌ی



مقاله ادبی، تحلیل دو نعت درخشان از دو شاعر افغانستان

کرد. برخلاف انتظار که وی به مشاغل سنتی مانند قضاوت یا سارنوالی بپردازد، به عرصه‌های علم سیاست و ادبیات روی آورد. فارانی در حوزه‌ی شعر به‌عنوان نوگرایی برجسته شناخته می‌شود. او به‌جای تکیه بر قالب‌های کلاسیک، به نوآوری روی آورد و غزل‌های نو و نیمایی سرود. سه مجموعه شعر از او منتشر شده است: «رویای شاعر»، «آخرین ستاره» و «سفر در توفان». واصف باختری و پرتو نادری، از صاحب‌نظران برجسته‌ی شعر و ادب افغانستان، محمود فارانی را از پیشگامان شعر نو در این سرزمین می‌دانند که در قالب و مضمون شعرش تحول آفرینی کرده است.





سالار پیامبران سروده‌ی عبدالرازق فانی

به شب زمانه پیام تو سحر آفریده محمدا
به کدام خامه رقم زخم به تو این قصیده محمدا
تو چراغ سینه‌ی اولیا تو فروغ دیده محمدا
بشر و ملک به مثال تو دگری ندیده محمدا
همه برگ‌های نشاط من ز تنم تکیده محمدا
به کجا روم که صدای کس نشود شنیده محمدا
اسفا که ناله به نای ما دگری دمیده محمدا
تو بین که کار جنون ما به کجا کشیده محمدا
گل سرخ شعر دری دلم به ره تو چیده محمدا

شفق صلابت نام تو دل شب دریده محمدا
به رهت نشد که قدم زخم به چه آبرو ز تو دم زخم
تو گلاب گلشن انبیا تو حبیب حضرت کبریا
به کرامت و به کمال تو به وجاهت و به جمال تو
چو شکسته شاخه در این
چمن عدم است ساز بساط من
مکنم رها تو برای کس که مرا نمانده هوای کس
رمقی نمانده به پای ما نشود بلند صدای ما
چه بلا خزیده به خون ما که شرر جهد ز درون ما
سحری تو ای شه محتشم ز حرم بینه به برون قدم

(منبع: ۱۳۹۹: ۵)



مقاله ادبی، تحلیل دو نعت درخشان از دو شاعر افغانستان

خود را ناتوان و عاجز توصیف کرده و پرسشگری می‌کند که با چه قلمی سزاوار است این قصیده را به پایان رساند. محمد (ص) نماد برتری‌های معنوی است: گلاب گلشن انبیا، حبیب حضرت کبریا، چراغ سینه‌ی اولیا و فروغ دیده‌ی شاعر. در کرامت، کمال، وجاهت و جمال، هیچ بشر و فرشته‌ای همتایی برای ایشان ندارد.

در نیمه‌ی دوم غزل، شاعر به گلایه از وضعیت خود می‌پردازد؛ از شکستگی، بی‌نشاطی و ناتوانی خویش سخن می‌گوید و از سالار پیامبران (ص) طلب یاری می‌کند که او را تنها نگذارد. در ادامه، شاعر از وضعیت اسفبار جامعه‌ی خویش نیز شکایت کرده و از پیامبر می‌خواهد که بنگرد جنون امت به چه سرنوشتی دچار آمده است. استفاده از «محمد» به‌عنوان ردیف در



تحلیل سالار پیامبران

سالار پیامبران یکی از غزل‌های نعت‌گونه‌ی عبدالرازق فانی است که در آن شاعر به وصف پیامبر خاتم (ص) پرداخته است. بعثت ایشان در دورانی رخ داد که زمانه در تاریکی و ظلمت فرو رفته بود. به‌باور فانی، بعثت پیامبر (ص) مساوی با پیروزی نور بر ظلمت و روشن شدن شب روزگار توسط سحر وجود ایشان بوده است.

شاعر در پیشگاه مقام پیامبر (ص)



مقاله ادبی، تحلیل دو نعت درخشان از دو شاعر افغانستان

ابیات پایانی، به غزل موسیقایی آرام و لحنی مدحی - ندایی بخشیده که حالتی روح نواز دارد. شاعر از آرایه‌های بدیعی و بیانی نیز بهره برده است. در مجموع، این نعت در کنار زیباترین اوصاف، حاوی نوعی مناجات و تمنای نظر و عنایت پیامبر (ص) به شاعر و جامعه‌ی اوست.

نعت محمود فارانی

تاریخ بر دو راهی مرموز سرنوشت
«او» آمد و چراغ هدایت به دست او
انسان به زیر خرمن زنجیر می‌خزید
خم گشته بود پشت جهان زیر بار ظلم
انسان به آستان خدایان مرمین
در معبد زمانه به محراب قرن‌ها
بس کاخ‌های مرمر و بس قصرهای عاج
در بزم میگساری و در خلوت هوس
«او» از حجاز آمد و قرآن به دست او
ز آواز پای او همه زنجیرها شکست
ایستاده بود و چشم به ظلمت سپرده بود
راه نجات را به دل تیرگی گشود
در بند بود گردن آزاد آدمی
رنگی نبود ز آدم و بویی ز مردمی
بر خاک می‌نهاد سر پر غرور را
می‌کرد بوسه پای بُت پول و زور را
بر پشته‌های جمجه‌ها ایستاده بود
خون کسان به جام خسان جای باده بود
تاج کرامتی به سر آدمی نهاد
بر کاخ‌های سر به فلک لرزه افتاد

(منبع: ۱۳۹۹: ۸)



مقاله ادبی، تحلیل دو نعت درخشان از دو شاعر افغانستان

استبداد به زحمت می خزید؛ گردن آزادی خواه
در بند بود و کرامت انسانی جای خود را به
خضوع در برابر بت‌های مادی داده بود. مردم در
برابر معابد ساختگی زر و زور سر تعظیم فرود
می آوردند. قصرهای مجلل و کاخ‌های عاج بر روی
استخوان‌ها بنا شده بود و در مجالس متکبران،
خون انسان‌ها به جای باده در جام‌ها ریخته می شد.
سرانجام، «او» از حجاز برخاست و قرآن
به دست داشت؛ با آمدن او، تاج کرامت بر سر
انسان نهاده شد. صدای گام‌های او زنجیرهای
استبداد را درهم شکست و کاخ‌های ستمکاران
که تا افلاک سر کشیده بودند، به لرزه افتاد.
این شعر در زبانی نرم، تضاد میان ظلمت
جاهلیت و نور هدایت را ترسیم می کند. فارانی
به خوبی دوران اوج ظلم و خودبیگانگی انسان



تحلیل نعت محمود فارانی

محمود فارانی این نعت درخشان را در قالب
چهارپاره سروده است. زبان و لحن شعر، آرام
و متین است و از معنایی عمیق حکایت دارد.
شاعر تصویری تاریخی ارائه می دهد: تاریخ در
دوراهی سرنوشت متوقف و چشم به ظلمت
سپرده بود تا آنکه «او» (پیامبر اعظم) با چراغ
هدایت، راه نجات را در دل تاریکی‌ها گشود.
پیش از اسلام، انسان زیر فشار زنجیر جهل و



مقاله ادبی، تحلیل دو نعت درخشان از دو شاعر افغانستان

را به تصویر می کشد که نیازمند منجی بود؛ منجی ای که با قرآن، کرامت انسانی را بازگرداند و مسیر رستگاری را برای بشر روشن ساخت.

جمع بندی:

نعتیه‌ها قالب‌های شعری ارزشمندی در وصف پیامبر خاتم (ص) هستند. شاعران و سخن‌سرایان ادب فارسی، از گذشته تاکنون، عشق و ارادت قلبی خود را به پیامبر اکرم (ص) و خاندان ایشان در زیباترین کلام بیان کرده‌اند. شاعران افغانستان نیز با تکیه بر تجربه‌ی زیسته‌ی خود و باورهای عمیق دینی، همواره کوشیده‌اند تا محبت خود را به پیشروان دینی در قالب نعت و منقبت ابراز کنند. عبدالرازق فانی و محمود فارانی، دو شاعر متعهد و دین‌دار معاصر افغانستان، در این دو نعت درخشان، توانسته‌اند

اوصاف والای پیامبر خاتم (ص) را با تحلیلی اجتماعی-تاریخی در هم بیامیزند که مورد بررسی قرار گرفت.

منابع:

زبان و ادبیات دری (یازدهم)، گروه مؤلفان کتاب‌های درسی بخش دری برنامه‌ی تعلیمی. (۱۳۹۹). کابل: ریاست ارتباط و آگاهی عامه‌ی وزارت معارف (آموزش و پرورش).

زبان و ادبیات دری (نهم)، گروه مؤلفان کتاب‌های درسی بخش دری برنامه‌ی تعلیمی. (۱۳۹۹). کابل: ریاست ارتباط و آگاهی عامه‌ی وزارت معارف (آموزش و پرورش).

شانزدهم بهمن/دلو، زادروز محمود فارانی وبسایت خانه‌ی مولانا.



Gilgit- Baltistan

Small Iran of Pakistan

فرهنگ و تمدن ملل



محمد حسین

دانشجوی کارشناسی ارشد ارتباطات اجتماعی

اهل پاکستان

Gilgit-Baltistan is a historically rich, culturally diverse, and strategically important region located in the extreme north of Pakistan. Surrounded by towering mountains and ancient trade routes, the region has long served as a meeting point of civilizations.

Due to its deeprooted Persian cultural influence, shared traditions, linguistic similarities, and histori-

cal ties, Gilgit-Baltistan is often referred to as the “Small Iran of Pakistan.” This title is not symbolic alone; it reflects centuries of cultural exchange, shared heritage, and mutual influence between Persian civilization and the people of Gilgit-Baltistan.

Historical and Persian Influence:

Historically, Gilgit-Baltistan remained connected with Central



Asia and Persia through trade, migration, and intellectual exchange. The ancient Silk Road passed through this region, linking China with Persia and the Middle East. Persian traders, scholars, and missionaries played a key role in shaping the social, cultural, and intellectual life of Gilgit- Baltistan. Persian language and culture once dominated administration, poetry,

education, and religious discourse in the region, just as they did in Iran and much of Central Asia. Even today, traces of Persian governance, customs, and social values are deeply embedded in local traditions.

Cultural Similarities Between Gilgit-Baltistan and Iran:

One of the strongest reasons Gilgit-Baltistan is called the “Small Iran

of Pakistan” is the remarkable similarity in cultural practices and celebrations. Many Persian festivals are observed in Gilgit-Baltistan with the same spirit and enthusiasm as in Iran.

Some of these important festivals include:

Shab-e-Yalda: the celebration of the longest night of the year, symbolizing light over darkness

Eid-e-Noroz: (Nowruz), the Persian New Year, celebrated as a festival of renewal, hope, and new beginnings.

Eid-e-Ghadeer: a significant religious and cultural event observed





with devotion These festivals are not merely events; they represent the continuity of Persian heritage and reflect the strong cultural bond between the people of Gilgit-Baltistan and Iran.

Linguistic Connections with Persian (Farsi):

Language is one of the most powerful indicators of cultural connection.

Several languages spoken in Gil



فرہنگ و تمدن ملل، گلگت-بلتستان، ایران کوچک پاکستان

git-Baltistan—such as Wakhi, Balti, and Shina contain a large number of Persian-derived words.

For example:

“در” (door) is common in both Shina and Farsi

“پا” (foot) exists in both languages Words related to nature, family, emotions, and daily life often show Persian influence Moreover, Persian poetry and expressions are still admired and quoted in reli

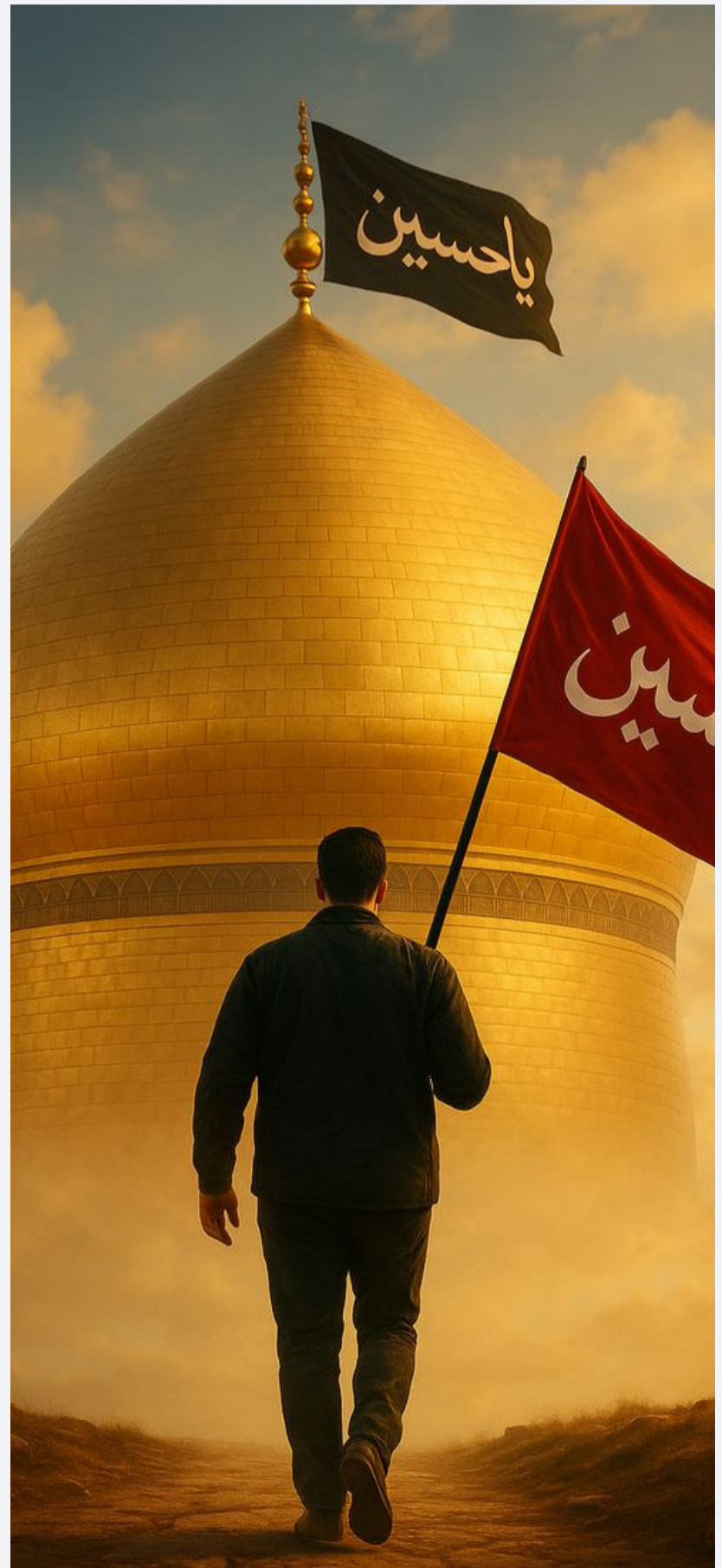


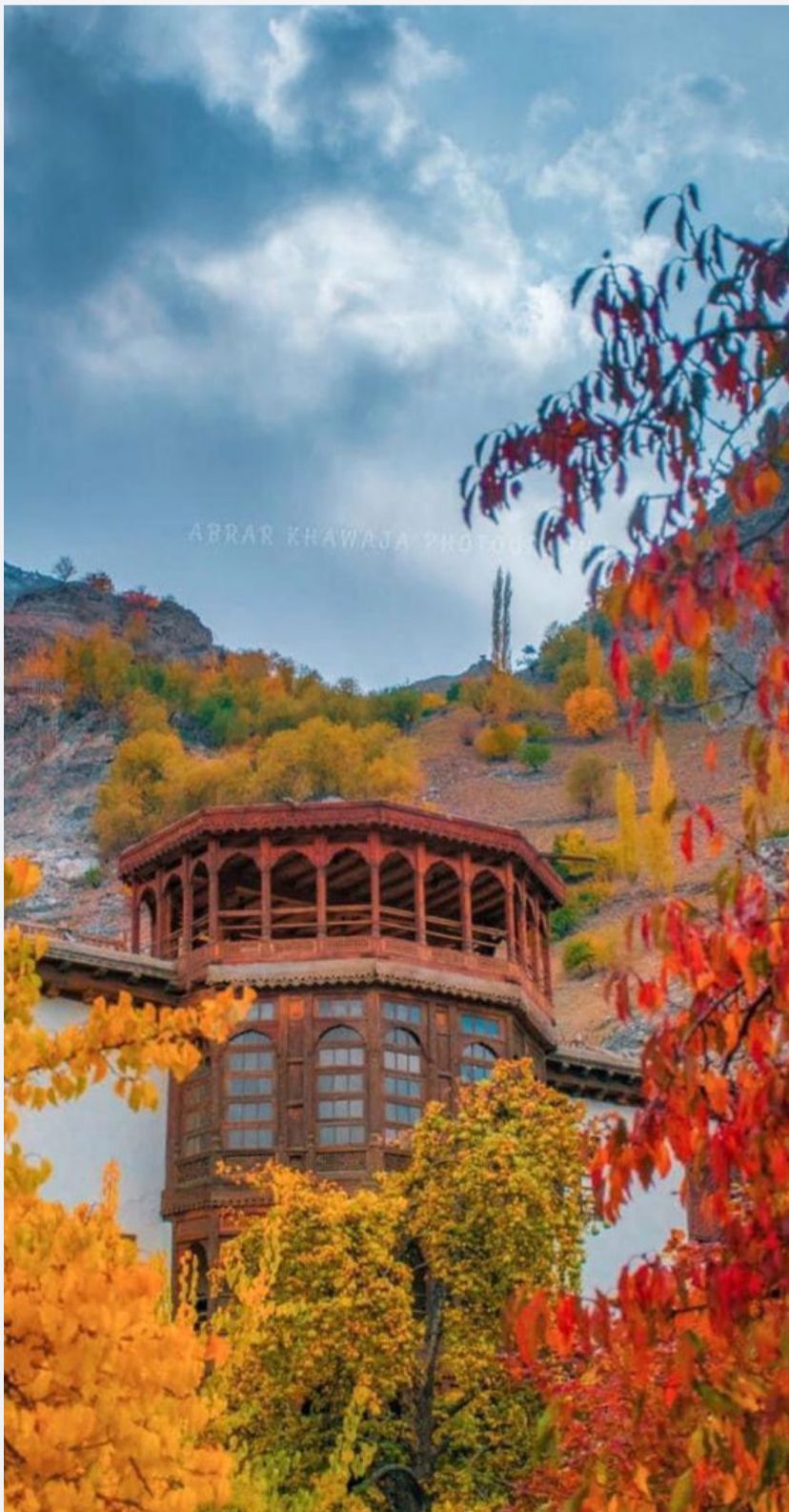
gious gatherings and cultural discussions, highlighting the intellectual and literary impact of Persian civilization on the region.

Religious and Spiritual Connection:

Gilgit-Baltistan shares strong religious and spiritual ties with Iran, particularly in the context of Islamic scholarship and Shi'a traditions. Iranian religious literature, scholars, and centers of learning have historically influenced religious education in the region. This shared spiritual heritage has further strengthened emotional and cultural bonds between the two societies.

Emotional and Cultural Attachment with Iran:





The emotional connection between Gilgit-Baltistan and Iran is deep and sincere. The people of the region hold great respect for Iranian culture, history, and values. This affection is evident in daily conversations, cultural expressions, and even personal choices.

In some families, children are named “Iran”, symbolizing admiration, love, and a sense of belonging to Persian culture.

This emotional bond is not political but cultural and historical, rooted in shared traditions and mutual respect.



Architecture, Art, and Lifestyle:

Traditional architecture in Gilgit-Baltistan, including old forts, houses, and decorative patterns, shows similarities with Persian styles. Handicrafts, carpets, embroidery, and cal

igraphy reflect Persian artistic influence. Hospitality, respect for elders, storytelling traditions, and poetic expression further align the region's lifestyle with Iranian cultural norms.

Geographical Impor

tance of Gilgit-Baltistan:

Gilgit Baltistan holds immense geographical and strategic importance. It lies at the crossroads of South Asia, Central Asia, and China, serving historically as a gateway between civilizations.

فرنگ و تمدن ملل، گلگت-بلتستان، ايران کوچک پاکستان

The region is home to some of the world's greatest mountain ranges:

- The Himalayas
- The Karakoram
- The Hindu Kush It hosts legendary peaks such as K2, the world's second-highest mountain, making it a global center for mountaineering, adventure tourism, and natural beauty. Its rivers, glaciers, and valleys add to its unique identity and cultural isolation, which helped preserve ancient traditions.

Gilgit-Baltistan truly deserves the title "Small Iran of Pakistan." Its Persian influenced culture, shared festivals, linguistic similarities,

religious connections, emotional attachment, and historical ties all point toward a deep and lasting relationship with Iranian civilization.

Combined with its strategic location and breathtaking geography, Gilgit-Baltistan stands as a living bridge between Persian culture and South Asia.

Preserving this rich heritage is essential, as it represents not only the identity of Gilgit Baltistan but also a valuable chapter in the shared history of the broader region one that continues to thrive and inspire generations today.



سقف آشیانه

شعر



عبدالودود ابریز

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصاد اسلامی

اهل افغانستان

نگاه نگاه تو، قلب مرا ایقان می داد
خدا خدا که مرا قدرت و توان می داد
به روز مرگ «زلزل» گفته گفته جان می داد
برای تو، لقب شاه دختران می داد
به دست گرفت و عکس تو را نشان می داد
درون کوچی به سگ های بی زبان می داد
تو را که از سر این سفره آب و نان می داد
تو را خدا به منی خسته بی گمان می داد

همان که پیراهنت رنگ آسمان می داد
چه آرزو که برت «سقف آشیانه» شوم
نیامدی که یسینی چقد عاشق تو
همان که شعر در اوصاف دختران بسرود
یکی میان جماعت برای مردم شهر
کدای کوی تو یک نان و تاق کندیده
الهی خاک شوم، خاک پای مسافر تو
به پای جان دویدم ولی نشد، ای کاش!



Yalda Night Ceremony

The Yalda Night ceremony was held on December 19, 1404, in the conference hall of the research institute, with a speech by Dr. Nad Alizadeh (a member of the university faculty).

Following this, programs such as Hafez recitation, Shahnameh recitation, homage to Hafez's Divan, and poetry recitation were performed by students from six nationalities (Afghanistan, Yemen, Colombia, Pakistan, Congo, and

گزارش



ساموئل کاتامبا

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی

اهل اوگاندا

Nigeria). A music group consisting of four nationalities (Nigeria, Pakistan, Afghanistan, and Thailand) also performed, and in-person competitions were also held.

Yalda Night (called “Shab-e Yalda” or “Shab-e Chelleh”) is one of Iran’s most beloved and ancient celebrations.

It marks the longest night of the year, happening around December 20 or 21, and symbolizes the victory of light over darkness — because



from that night onward, the days start getting longer.

Here's a short overview:

Origins and Meaning

Yalda Night dates back thousands of years ago. It celebrates the birth of the sun god Mithra, who represents light, truth, and the triumph of good over evil. In essence, it's a spiritual rebirth of the sun and the promise that warmth and light will return.

Customs and Traditions

Families gather on Yalda Night to stay awake until after midnight, sharing stories, laughter, and delicious food.

Traditional activities include:

- Reading poetry, especially Hafez's Divan (a ritual known as Fal-e Hafez, where people randomly open the book to receive fate's message).
- Eating red fruits like pome



granate and watermelon — symbols of the sun's glow and life.

- Serving nuts, sweets, and dried fruits, symbolic of abundance.
- Listening to music and telling ancient tales about love and heroism.

Social and Cultural Role:

Yalda is more than a seasonal memory — it's about family unity, love, and hope.

It encourages people to cherish togetherness and remind each other that darkness always fades.

A traditional Yalda table — called “Sofreh-ye Yalda” — is a beautiful,

گزارش، مراسم شب یلدا



symbolic setup full of color, light, and meaning. It represents warmth, abundance, and the triumph of brightness over darkness.

Here's what's typically arranged on it:

- Red Fruits (Symbol of the Sun & Life)
- Watermelon (Hendevaneh): Represents the warmth and vitality



of summer; it's believed that eating it on Yalda protects you from illness in winter.

- Pomegranate (Anar): Symbol of rebirth and love; its red seeds stand for the glow of dawn after the long night.
- Nuts & Dried Fruits (Symbol of Prosperity)

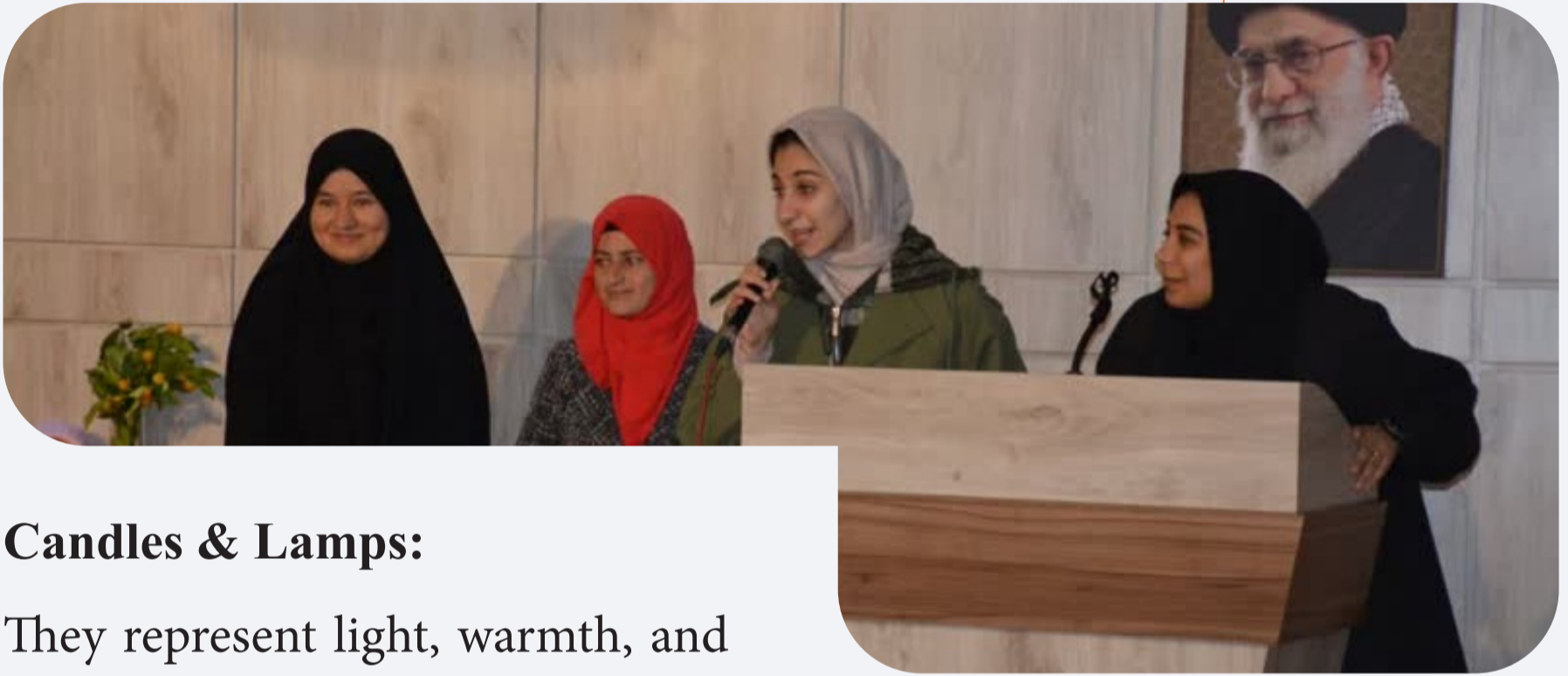
Known collectively as Ajil-e Shab-e Yalda, they include pistachios, almonds, walnuts, dried figs, raisins, and roasted chickpeas — all

representing good fortune, fertility, and happiness.

Poetry Books:

Divan-e Hafez: Often placed at the center of the table. Families take turns opening it randomly and reading a poem aloud (Fal-e Hafez), believing the verses reveal guidance or blessings.

Sometimes, Shahnameh (the Persian Book of Kings by Ferdowsi) is also included to honor Persian heritage and heroism.



Candles & Lamps:

They represent light, warmth, and the victory of day over night.

Many families dim electric lights and use candles to create a cozy, nostalgic atmosphere.

Sweets & Desserts

People prepare or buy delicious treats like persimmon, date-based sweets, noghl (sugar-coated nuts), and other local pastries that vary by region.

Decor & Symbolism:

The tablecloth is often richly patterned and may include red or gold hues.

Flowers, mirrors, and sometimes a bowl of water with floating petals add elegance and purity.

Some families also put quince, apple, or seasonal fruits, symbolizing beauty and health.



چشن می فانگ آیین زمستانی در شمال پاکستان

مقاله فرهنگی



عباس مبلغی

دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل

اهل پاکستان

و آیین‌های کهن (Bön) تبتی و آیین بُن کوهستانی بازمی‌گردد. این جشن یکی از آیین‌های محلی است که پیش از ورود گسترده آیین‌های جدیدتر، با چرخه‌های فصلی، خورشید و کشاورزی پیوند خورده بود و به صورت محلی حفظ شده است.

ارتباطات تاریخی: برخی مورخان محلی، بخش‌هایی از این سنت‌ها را به دوران دودمان در تاریخ منطقه نسبت (Maqpon) ماقپون می‌دهند، اگرچه توضیحات دقیق تاریخی ترکیبی از عناصر افسانه‌ای و مذهبی را در بر می‌گیرد.

یک آیین (Mayfung) «چشن می فانگ» سنتی باستانی است که به طور ویژه در منطقه بلتستان در شمال شرقی پاکستان، میان مردم بلتی و گلگیتی (از تبار تبتی‌زبانان کوهستانی) برگزار می‌شود. این جشن هر سال در شب ۲۱ دسامبر (شبی نزدیک به انقلاب زمستانی) برپا شده و نمادی از پایان بلندترین شب سال و آغاز روزهای بلندتر است؛ از این رو، با مفهوم «پایان شب طولانی» و امید به سال نو یا روزهای بهتر ارتباط تاریخی دارد.

تاریخچه و علت برگزاری

ریشه‌های جشن «می فانگ» به فرهنگ‌های

آداب و مراسم

در این جشن، رسوم مرسوم زیر اجرا می شود (توجه: جزئیات ممکن است در نواحی مختلف متفاوت باشد):

گردهمایی و روشن کردن آتش: مردم پس از تاریکی در میدان های باز، دامنه ی کوه یا فضای روستا گرد می آیند و مشعل ها و برپا می کنند. (Bonfires) آتش های مرکزی آتش نماد نور، گرما و دفع شومی ها است؛ در حین روشن کردن آتش، افراد مشعل ها را می گردانند و دسته جمعی به رقص و پایکوبی می پردازند.

رقص ها و نمایش های سنتی: شامل «رقص آتش» که در آن مردان (و گاهی زنان) با مشعل در دست به صورت دایره ای می رقصند. در برخی مناطق، رقص های نمایشی یا با



علت اصلی برگزاری: نماد بزرگداشت پایان طولانی ترین شب و استقبال از روشنایی روزهای بلندتر. علاوه بر این، باورهای محلی از جمله استفاده از آتش به عنوان محافظ در برابر بدی ها و پاک سازی نمادین سال گذشته و همچنین ارتباط با جشن سال نو محلی در شکل گیری این آیین نقش (Losar) داشته اند.



نمادی از آرزو و رهایی از سال گذشته مشاهده شده است.

نیایش‌ها و آیین‌های حفاظتی: خواندن دعاها با نیت دفع بدی و جلب خوش‌یمنی برای سال پیش رو؛ برخی از این آیین‌ها ریشه‌های پیشااسلامی داشته و به صورت فرهنگی حفظ شده‌اند.

وجه نمادین و اجتماعی جشن

جشن «می فانگ» یک مراسم هم نجومی (نشانه انقلاب زمستانی) و هم فرهنگی-اجتماعی است:

شمشیر برای نمایش شجاعت نیز اجرا می‌شود. **نورانی کردن محیط:** مردم شمع یا چراغ در خانه‌ها و پشت‌بام‌ها روشن می‌کنند تا شهر یا روستا نورانی شود؛ این کار نمادی از خوش‌یمنی و دور کردن تاریکی است.

پخش غذا و مهمان‌نوازی: خانواده‌ها غذاهای محلی گرم و مقوی، چای و خشکبار را با یکدیگر تقسیم می‌کنند؛ این بخش بر همبستگی اجتماعی تأکید دارد.

ارسال بالن‌های نورانی: فرستادن لانترن‌ها یا بالن‌های کاغذی نورانی به آسمان به عنوان



مقاله فرسنگی، جشن می فانگ، آیین زمستانی شمال پاکستان

جنبه	جشن می فانگ (بالتستان)	شب یلدا (ایران)
محور نمادین	تمرکز بر آتش، مشعل و رقص جمعی با نور.	تمرکز سنتی تر بر میوه‌های سبز و قرمز (انار، هندوانه و...)، شعرخوانی حافظ و ماندن تا بامداد.
ریشه‌های فرهنگی	ریشه‌هایی در فرهنگ‌های تبتی / بُن و آیین‌های منطقه‌ای.	شکل گرفته در فرهنگ ایرانی با آمیختگی از باورهای زرتشتی / ایرانی.
جلوه‌ی آیینی	جلوه‌ی عمومی تر و نمایش گونه شامل مشعل و رقص آتش.	بیشتر حول جمع خانوادگی، خوراکی و ادبیات (حافظ) سامان می‌یابد.

همبستگی: نمادی از همبستگی جامعه در برابر
سرمای زمستان.

دعای جمعی: نیایش برای فراوانی و ایمنی.

هویت فرهنگی: پاسداری از هویت فرهنگی
بالتستان.

در سال‌های اخیر، دولت محلی و نهادهای
گردشگری نیز برای تقویت این سنت و معرفی
منطقه به عنوان جاذبه فرهنگی، کمک‌هایی
کرده‌اند.

مقایسه «می فانگ» با «شب یلدا» (ایران)

هر دو آیین (می فانگ در بالتستان و شب یلدا
در ایران) بر محور مفهوم نجومی مشترک
«طولانی‌ترین شب سال» سازماندهی شده‌اند
و هر دو نماد «پیروزی نور بر تاریکی» هستند.

در نهایت، می توان گفت هر دو آیین از
نظر معنایی نزدیک‌اند.



مقاله فرهنگی، جشن می فانگ، آیین زمستانی شمال پاکستان

عکس جشن می فانگ (یلدا) در شمال پاکستان:

عکس شب بلدا (شب چله) ایران:



جشن می فانگ در بلتستان یک میراث فرهنگی زنده است که با روشن کردن آتش، رقص و گردهمایی، هم به عنوان یک آیین نجومی و هم اجتماعی عمل می کند. این جشن از نظر معنایی با شب یلدا اشتراکاتی دارد، اما اختلافات فرهنگی و اجرایی آشکاری نیز میانشان دیده می شود. این مراسم نمونه ای خوب از پایداری فرهنگ محلی در برابر تحولات اجتماعی و مذهبی است.

R A S T A K A N D I S H E

رستاک اندیشیه

فراخون در یافت آثار

علاقه‌مندان می‌توانند؛ آثار خود را در یکی از محورهای زیر به آیدی‌های ذیل در پیام رسان ایتا و تلگرام ارسال نمایند

  Z_shabani3

محورهای نشریه

مقاله

شعر

خبر

دانشجو

مصاحبه

سفرنامه

داستانک

فرهنگ و تمدن ملل

داستان کوتاه

گزارش

آدرس دفتر نشریه

تهران، اتوبان خلیج فارس، جنب عوارضی تهران-قم، دانشگاه بین‌المللی
اهل بیت (علیهم‌السلام)، معاونت فرهنگی و دانشجویی، واحد شماره (۹)